

عوامل قانون‌گرایی شهروندان در شهر یزد

اکبر زارع شاه‌آبادی*، رحمت‌اله ترکان**

مقدمه: قانون مایه قوام و ثبات جامعه است که بدون رعایت آن، نظم و امنیت حاصل نخواهد شد. عوامل متنوع و متعددی در فرایند قانون‌گرایی افراد نقش دارند. هدف تحقیق حاضر بررسی میزان قانون‌گرایی شهروندان یزد و عوامل مؤثر بر آن است. برای تبیین قانون‌گرایی شهروندان از نظریه‌های جامعه‌شناسی استفاده شده است.

روش: پژوهش حاضر از نوع کاربردی و از نظر روش، پیمایش است. جامعه مطالعه شده، سرپرستان خانوار (افراد متأهل بیش از ۱۵ سال) یزد بودند که ۳۶۲ نفر از آنان با روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای انتخاب شدند. محققان برای گردآوری اطلاعات این پژوهش از پرسش‌نامه محقق ساخته استفاده کرده و روایی آن را از طریق اعتبار محتوا و پایایی‌اش را از طریق محاسبه ضریب آلفای کرونباخ سنجیدند. سپس اطلاعات را با استفاده از نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل کردند.

یافته‌ها: یافته‌های تحقیق نشان داد بین سن و تحصیلات و طبقه اجتماعی و قانون‌گرایی رابطه معنی‌دار وجود دارد؛ اما بین جنس و وضعیت شغلی افراد و قانون‌گرایی رابطه معنی‌دار وجود ندارد. همچنین ضریب هم‌بستگی پیرسون بین متغیرهای اساسی تحقیق نشان می‌دهد بین دین‌داری، سرمایه اجتماعی، نگرش به قانون، نظارت اجتماعی، عدالت توزیعی و قانون‌گرایی رابطه مستقیم و معنی‌دار وجود دارد؛ اما بین آنومی و قانون‌گرایی رابطه معکوس و معنی‌دار وجود دارد. تحلیل رگرسیون چندمتغیره نشان داد متغیرهای دین‌داری، سرمایه اجتماعی، نظارت اجتماعی، سن و عدالت توزیعی، در مجموع ۳۱/۷ درصد از پراکنش متغیر وابسته (قانون‌گرایی) را تبیین می‌کنند.

بحث: عوامل تأثیرگذار بر قانون‌گرایی، دربرگیرنده مجموعه متعدد و مختلفی از متغیرهای فردی و اجتماعی و عوامل موقعیتی است. لذا برای دستیابی به شناخت جامع‌تر در این زمینه، اتخاذ رویکرد چندوجهی که همه این عوامل را مدنظر قرار دهد، ضروری است.

کلیدواژه‌ها: دین‌داری، سرمایه اجتماعی، قانون، قانون‌گرایی، قانون‌گریزی، نگرش به قانون

تاریخ دریافت: ۹۰/۰۷/۰۳ تاریخ پذیرش: ۹۱/۱۲/۲۵

* دکتر جامعه‌شناس، دانشگاه یزد. <A_zare@yazd.ac.ir> (نویسنده مسئول)

** کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه پیام‌نور.

مقدمه

یکی از ارکان اصلی استقرار جامعه مدنی و تثبیت نظام مردم‌سالار و به علاوه، دستیابی به کرامت والای انسانی، به چگونگی جهت‌گیری افراد جامعه در برابر قوانین جاری در سطح خرد و کلان اجتماعی بستگی دارد. به عبارت دیگر، اگر جهت‌گیری افراد جامعه در برابر قوانین جامعه با خوش‌بینی توأم باشد، قطعاً قانون^۱ به منزله پدیده‌ای اجتماعی، ابزاری است که به کمک آن می‌توان علاوه بر دستیابی به کرامت والای انسانی، به‌سوی استقرار نظام دموکراتیک گام برداشت و نهایتاً جامعه مدنی را تثبیت کرد. واضح است که نداشتن مقررات و قوانین، نظم و امنیت هر جامعه‌ای را تهدید می‌کند و باعث سلب آرامش و آسایش افراد جامعه می‌شود.

قانون در لغت به معنای رسم، دستور، مقیاس، سؤال، طرز و... آمده (عمید، ۱۳۷۱) و در اصطلاح متداول، به ضابطه کلی گفته می‌شود که بر رفتارهای افراد در عرصه‌های مختلف حاکم است (دانایی فرد و همکاران، ۱۳۸۹). قانون‌پذیری و قانون‌گرایی در جامعه به منزله گرایش آگاهانه و داوطلبانه و ارادی اکثریت قریب به اتفاق مردم از قوانین و مقررات موجود و عمل به آن‌هاست (صداقت، ۱۳۸۴). همچنین قانون‌گرایی، میزان اهمیتی است که شهروندان برای قانون قائل می‌شوند و با شاخص‌هایی مانند نگرش مثبت به قانون، کاهش ارتکاب جرائم و تخلفات، افزایش مشارکت اجتماعی و افزایش انسجام و وحدت اجتماعی قابل‌شناسایی است (محسنی، ۱۳۸۸).

گرایش به قانون، معمولاً در سه بُعد رفتاری صورت می‌پذیرد: ۱- بُعد آمادگی جسمی بدن برای پذیرش محرک‌های بیرونی و تبدیل آن به عمل؛ ۲- بُعد فکر و آگاهی انسان که ذهن را برای تداعی و تشخیص خوبی یا بدی امری خاص یاری می‌کند؛ ۳- بُعد احساسی که در آن آدمی براساس احساس و نه بر مبنای تفکر و حسابگری، درباره پدیده‌های اطراف خود قضاوت‌ها کرده و واکنش‌های ارزشیابی‌کننده نشان می‌دهد. بُعد فکری و احساسی،

1. law

در علوم اجتماعی و شهروندی بیش‌تر مدنظر است.

در جوامع معاصر، هر اندازه پیشرفت‌های چشمگیری در ابعاد گوناگون زندگی انسان حاصل شود، نیاز به داشتن قوانین پیشرفته بیش‌تر احساس می‌گردد. از طرف دیگر، برای این‌که قوانین پشتوانهٔ اجرایی داشته باشند، لازم است سازوکارهای مختلفی برای نظارت و کنترل اعمال افراد به کار گرفته شود. بنابراین، می‌توان گفت محور استحکام و انسجام هر جامعه‌ای توجه به قانون و رعایت آن است. با وجود این، برخی اعضای جامعه با روی‌گردانی از قانون مرتکب قانون‌شکنی می‌شوند. اجرا نشدن قوانین در سطوح خرد و کلان جامعه، نه تنها مشکلات و دشواری‌هایی در ادارهٔ بهتر جامعه و ایجاد نظم به وجود می‌آورد، بلکه در بلندمدت ممکن است مشروعیت و مقبولیت قوانین موجود را زیر سؤال ببرد. این مسئله ممکن است در ابعاد گوناگون سیاسی و فرهنگی و اخلاقی جامعه اثر گذاشته و احیاناً سبب گسیختگی و بی‌سازمانی اجتماعی شود (فخرایی، ۱۳۷۸).

کشورهای جهان سوم، به‌شکل حادی درگیر این معضل اجتماعی و تاریخی و مشکلات فرهنگی و اجتماعی بی‌شمار در مقابل پذیرش عمومی قانون بوده‌اند. کشور ما نیز از این قاعده مستثنا نیست. به نظر می‌رسد نپذیرفتن قوانین عادت شده است؛ به عبارت بهتر، به موضوعی بهنجار مبدل شده است و ادامهٔ این اوضاع، هستی اجتماعی را تهدید می‌کند. آنچه مسلم است این‌که تمایل به قانون‌گریزی یا حتی خود قانون‌گریزی، در ایران وجود دارد. نتایج طرحی که در سال ۱۳۸۲ انجام شد، نشان داد ۱۸/۸ درصد از پاسخ‌گویان معتقدند که از هر قانونی باید اطاعت کرد؛ حتی اگر نامناسب باشد. ۸۱/۲ درصد از پاسخ‌گویان معتقدند که از قانونی که نامناسب است، نباید اطاعت کرد. ۵۵/۷ درصد از افراد معتقدند که اختلاف و چنددستگی در جامعه زیاد است. ۸۱/۱ درصد از افراد معتقدند که میزان پارتی‌بازی در کشور زیاد است. ۶۲ درصد مردم رواج تبعیض را در جامعه زیاد ارزیابی کرده‌اند و ۶۹/۴ درصد رواج دزدی را در جامعه زیاد دانسته‌اند (علی‌بابایی و فیروزجانیان، ۱۳۸۸). اغلب نظرسنجی‌ها و تحقیقاتی که به سنجش میزان قانون‌گرایی بین

ایرانیان پرداختند، به این نتیجه رسیدند که معمولاً در ایران تمایل زیادی به رعایت قانون در جامعه دیده نمی‌شود (محسنی، ۱۳۷۹؛ آزاد ارمکی، ۱۳۷۹؛ نظرسنجی صداوسیما، ۱۳۷۴، ۱۳۷۳ الف، ۱۳۷۷، ۱۳۷۴ ب؛ علیخواه، ۱۳۸۴، به نقل از: رضایی، ۱۳۸۴). همچنین این اطلاعات نشان دهنده وجود مسئله قانون‌گریزی و انواع آن در جامعه است که تهدید کننده نظم اجتماعی بوده و تبعات منفی همچون آنومی یا آشفتگی اجتماعی را به دنبال دارد.

برای تعریف قانون‌گریزی باید ابتدا دو مفهوم هنجار و قانون معنا شود. هنجار به عمل‌هایی گفته می‌شود که افراد در تعامل با یکدیگر انجام می‌دهند و اکثر مردم نیز آن را می‌پذیرند. در این بُعد، اگر عملی که هنجار است توسط فرد یا گروهی انجام نشود، مردم با آن برخورد می‌کنند. بعضی هنجارهای پذیرفتنی از پشتوانه انضباطی و ضمانت اجرایی حکومتی برخوردار است و تخلف از این نوع هنجارها برخورد حکومتی را با فرد خاطی در پی دارد. این هنجارها، قانون را تشکیل می‌دهد (صدیقی اورعی، ۱۳۸۰).

درواقع، زمانی که عده‌ای هنجارهای رسمی جامعه را نادیده بگیرند، با وضعیت قانون‌گریزی روبه‌رو هستیم. قانون‌گریز کسی است که با رفتار آگاهانه و از روی عمد، قوانین رسمی جامعه را نادیده می‌گیرد. با توجه به این‌که همه افراد جامعه در زندگی خود از چند قاعده رسمی تخطی می‌کنند و کسانی هم هستند که همیشه قوانین را نادیده می‌گیرند، قانون‌گریزی طیفی از رفتار است که از قانون‌گریزی دائمی و خشن و شدید (مثل سرقت و قتل) تا قانون‌گریزی گهگاهی و غیرخشن و ضعیف (مثل ندادن مالیات و عبور از چراغ قرمز) را دربرمی‌گیرد. به قانون‌گریزی نوع اول، قانون‌گریزی سخت^۱ و به قانون‌گریزی نوع دوم، قانون‌گریزی نرم^۲ می‌گویند. آنچه مسلم است این‌که همه افراد جامعه، به نوعی مرتکب قانون‌گریزی از نوع دوم می‌شوند؛ زیرا به دلیل ویژگی‌هایی که دارد، راحت‌تر در جامعه انجام می‌پذیرد تا جایی که به شکل عادت و امری معمول و حتی پذیرفته شده از دیدگاه عموم مردم درآمده است (علی‌بابایی و فیروزجانیان، ۱۳۸۸).

1. hard law-evasion

2. soft law- evasion

در ایجاد چنین فضایی و قبض و بسط آن، عوامل متعددی در سطح خرد کلان اجتماعی دخیل هستند. با توجه به این مسائل، سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که چه عواملی بر قانون‌گرایی تأثیرگذار است؟ بنابراین، این پژوهش با هدف بررسی عوامل مؤثر بر قانون‌گرایی شهروندان یزد صورت گرفته است.

زمینه‌های پژوهشی

پژوهش‌های خارجی: ریچارد^۱ و همکاران در تحقیقی با عنوان «تأثیرات کار غیرقانونی و بازدارنده‌های قانونی؛ تحلیلی تشخیصی از کارنامه غیرقانونی^۲ در هندوراس و نیکاراگوئه» به این نتیجه رسیدند که میزان قانون‌گرایی افراد تابع امور شهروندی و پیروی از الگوهای شهری است. منظور از امور شهروندی عبارت است از ارتباطات اجتماعی با دیگران، توانایی استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات، خودآموزی و تلاش در جهت ارتقای مهارت‌های ارتباط با دیگران و کار با ابزارهای زندگی و الکترونیکی، احساس توانمندی حل مشکل و دامنه کار با دیگران که نتیجه آن، دربرگیرنده آثار مثبت شهروند به قانون‌گرایی است (۲۰۰۴).

لو ژین کوان^۳ (۲۰۰۸) در پژوهش خود تحت عنوان «درباره دین و گرایش به قانون» به این نتیجه دست یافت که دین با محور قرار دادن آموزه‌های دینی به عنوان معیار و هنجار مطلوب رفتار، به تنظیم و کنترل رفتار و روابط اجتماعی طیف وسیعی از انسان‌ها پرداخته و با توجه به این قدرت بازدارندگی، از بروز آسیب‌های اجتماعی همچون قانون‌گریزی جلوگیری می‌کند. همچنین عقاید و باورها و احکام و مناسک دینی تأثیر مثبت و معنی‌داری بر قانون‌گرایی و اطاعت از قوانین دارد؛ یعنی هرچه میزان دین‌داری افراد بیش‌تر شود، میزان عمل به قانون و پایبندی به آن در افراد نیز افزایش می‌یابد.

1. Richard

2. illegal logging

3. Loo Xin-quan

وانگ ژیو شو^۱ و لیو کینگ شانگ^۲ (۲۰۱۰) در پژوهش خود تحت عنوان «بررسی عوامل روان‌شناختی مؤثر بر قانون‌گرایی» نشان دادند که بین میزان شناخت منفی از اعمال قانونی و تمایل به قانون‌گرایی ارتباط معکوس وجود دارد. همچنین بین میزان تجربه مثبت از اعمال قانونی، میزان دریافت شناختی از مشروعیت قانون، میزان برداشت از تجربه قانون‌گرایی و میزان آگاهی از تنبیه کیفری رفتار غیرقانونی و قانون‌گرایی ارتباط مثبت و معنی‌دار وجود دارد.

پژوهش‌های داخلی

براساس پژوهش مرکز تحقیقات و مطالعات و سنجش برنامه‌های صداوسیما جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۷۳ در تهران، گرایش افراد به قانون به‌طور متوسط ۵۶ درصد بوده است. همچنین بین گرایش فرد به رعایت قانون و متغیرهای مستقل سن و جنس و میزان تحصیلات رابطه معنی‌داری مشاهده نمی‌شود. در این پژوهش، ۱۷ درصد از پاسخ‌گویان علت رعایت نکردن قانون را به افراد جامعه و بیش از ۲۷ درصد، کم بودن فرهنگ مردم و تربیت نادرست خانوادگی ذکر کرده‌اند. ۱۰ درصد پاسخ‌گویان نیز علت رعایت نکردن قانون را مربوط به مسئولان دانسته‌اند (صداوسیما، ۱۳۷۳).

علی‌وردی‌نیا (۱۳۷۸) در تحقیقی تحت عنوان «مطالعه جامعه‌شناختی میزان قانون‌ستیزی در استان مازندران» نشان داد از میان سه متغیر صنعتی شدن و میزان سواد و توسعه شهری در استان مازندران، مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده قانون‌ستیزی شهروندان، متغیر صنعتی شدن است. نتایج تحقیق دیگری که دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی استان آذربایجان شرقی در بهار ۱۳۷۵ با عنوان «بررسی میزان قانون‌پذیری و عوامل مؤثر بر آن» در تبریز انجام داد، نشان داد بین میزان گرایش به قانون و شغل افراد رابطه معنی‌داری وجود ندارد؛ درحالی‌که بین درجه قانون‌پذیری و متغیرهای سن و تحصیلات رابطه معنی‌داری وجود دارد. به

2. Wang Xiao-shuo

2. Liu Qing-shun

عبارت دیگر، با افزایش سن پاسخ‌گویان، میزان گرایش آنان به قانون افزایش یافت. افراد تحصیل‌کرده نیز از درجهٔ قانون‌پذیری بیش‌تری از افراد بی‌سواد یا کم‌سواد برخوردار بودند. همچنین، زنان بیش‌تر از مردان برای مشکلات روحی و اخلاقی در نادیده‌گرفتن قوانین جامعه اهمیت قائل‌اند. نتایج دیگر این پژوهش این بود که کم بودن آگاهی‌های مردم، بیش‌ترین تأثیر (۸۰٫۶ درصد) را بر نادیده‌گرفتن قوانین داشته است (فخرایی، ۱۳۷۸).

براساس تحقیق دیگر دبیرخانهٔ شورای فرهنگ عمومی استان آذربایجان غربی در بهار ۱۳۷۵ دربارهٔ «بررسی نگرش مردم شهرستان ارومیه نسبت به قانون و روحیهٔ قانون‌پذیری»، ۹۳ درصد از پاسخ‌گویان نقش روش‌های تربیتی و طرز برخورد والدین را در میزان قانون‌مندی افراد مؤثر دانسته‌اند. همچنین نتایج بیان‌کنندهٔ آن بود که نقش آموزش و آشنایی با قوانین در رعایت قانون، در حد «خیلی زیاد» ۳/۶ است و ۹۶ درصد مردان و ۹۷ درصد زنان، تأثیر عامل فوق را در قانونمندی در حد «زیاد» و «خیلی زیاد» ارزیابی کرده‌اند. عواملی مانند آموزش قوانین از طریق رسانه‌های گروهی، رعایت قوانین توسط مسئولان، تبعیض قائل نشدن میان افراد جامعه، رسیدگی به مشکلات، عمل کردن طبق احکام اسلامی، سرلوحه قرار دادن وجدان کاری و انضباط اجتماعی، جایگزین کردن ضابطه به‌جای رابطه و... از عواملی هستند که می‌توانند در ترویج و گسترش روحیهٔ قانون‌پذیری افراد جامعه نقش مؤثری داشته باشند (دبیرخانهٔ شورای فرهنگ عمومی استان آذربایجان غربی، ۱۳۷۵).

رازقی (۱۳۷۸) در تحقیق خود تحت عنوان «توسعهٔ اقتصادی اجتماعی و قانون‌شکنی» نشان داد متغیرهای مستقل مطالعه شده، ۴۴ درصد از کل تغییرات متغیر وابسته، یعنی قانون‌شکنی را تبیین می‌کنند. عوامل مرتبط با قانون‌گریزی عبارت است از: توزیع نابرابر درآمدها در استان‌ها و میزان گستردهٔ مهاجرت در استان‌های کشور، میزان سواد افراد و قانون‌شکنی آن‌ها، میزان تورم و شاخص‌های اقتصادی، میزان شهرنشینی، بیکاری و الگوهای بهینه‌سازی توسعه، یعنی نرخ مناسب رشد جامعه. از میان این عوامل، بیش‌ترین هم‌بستگی

(۵۸ درصد) به عامل مهاجرت در استان‌ها مربوط بوده است و پس از آن، ضریب جینی به میزان ۴۲ درصد با قانون‌شکنی در استان‌ها هم‌بستگی داشته است. بقیه متغیرها هم‌بستگی معنی‌داری نداشته است.

محسنی (۱۳۷۸) در تحقیقی تحت عنوان «بررسی گرایش به اطاعت از قانون در ایران» نشان داد بین جنسیت و وضعیت تأهل پاسخ‌گویان و نگرش آن‌ها درباره اطاعت از قانون رابطه معنی‌داری وجود نداشت، ولی بین سن پاسخ‌گویان و اطاعت از قانون رابطه معنی‌دار وجود داشت؛ به این معنی که جوان‌ترها بیش‌تر موافق پیروی نکردن از قانون هستند. همچنین نتایج این پژوهش نشان داد با ارتقای سواد و آگاهی به قوانین، نگرش مبتنی بر رعایت قانون بیش‌تر می‌شود. از نتایج دیگر آن‌که کسانی که رفاه زندگی کم‌تری دارند، مخالفت بیش‌تری با رعایت نکردن قانون دارند. همچنین از نظر شغلی تمایل به رعایت نکردن قانون در میان کارگران و بازاریان و کسبه از سایر قشرهای دیگر قوی‌تر و در گروه کارمندان و بازرگانان از دیگران ضعیف‌تر است. تمایل به رعایت نکردن قانون در میان بازنشستگان کم‌تر و در میان بیکاران بیش‌تر است. در خانواده‌های کم‌درآمد تمایل به نادیده گرفتن قوانین قدرت بیش‌تری دارد و به موازات ارتقای موقعیت طبقاتی، بر توجه قانون افزوده می‌شود.

رضایی (۱۳۸۴) در تحقیق خود تحت عنوان «میزان و نوع و عوامل مؤثر بر قانون‌گریزی» نشان داد که احساس آنومی، میزان رواج زور در جامعه، خاص‌گرایی، تصور از میزان اعمال نظارت و اعتماد به نظام سیاسی، بیش‌ترین تأثیر را در مقایسه با سایر متغیرها بر قانون‌گریزی ابزاری داشته است. متغیرهای مذکور، در مجموع ۲۹ درصد از پراکنش قانون‌گریزی ابزاری را تبیین کردند. احساس آنومی، میزان رواج زور در جامعه، خاص‌گرایی، اعتماد به نظام سیاسی، تحصیلات، سن و ارزیابی از قطعیت نظام تنبیهی، ۵۰ درصد از پراکنش متغیر قانون‌گریزی اعتراضی را تبیین کردند. قانون‌گریزی اخلاقی بیش از همه تابع خاص‌گرایی و اعتماد به نظام سیاسی و سن است. متغیرهای ذکر شده، در

مجموع ۱۵ درصد از پراکنش قانون‌گریزی اخلاقی را تبیین کردند. شاخص کلی قانون‌گریزی که از ۳ شاخص قانون‌گریزی اخلاقی و اعتراضی و ابزاری ساخته شده، بیش‌ترین رابطه را با احساس آنومی و میزان رواج زور در جامعه داشته است. یافته‌های دیگر این پژوهش نشان داد که متغیرهای تصور از میزان اعمال نظارت، ارزیابی از قطعیت نظام تنبیهی، اعتماد به نظام سیاسی و خاص‌گرایی بیش‌ترین تأثیر را بر شاخص کلی قانون‌گریزی دارند.

صداقت و همکاران (۱۳۸۴) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی عوامل اجتماعی فرهنگی مؤثر بر قانون‌گریزی و قانون‌گرایی در بین شهروندان شهر تبریز» نشان دادند که قانون‌گرایی زنان و شهروندان متأهل بیش‌تر از مردان و شهروندان مجرد است. همچنین، قانون‌گریزی طبقات اجتماعی پایین، بیش‌تر از طبقات متوسط و بالا بود. از نتایج دیگر این پژوهش این بود که قانون‌گرایی به متغیرهای شهروندی، مشارکت اجتماعی، نگرش دینی و نگرش به قانون بستگی دارد؛ به‌طوری‌که هرچه مشارکت اجتماعی شهروندان با نداشتن فقر فرهنگی و اجتماعی همراه باشد، به همان مقدار نیز قانون‌گرایی آنان بیش‌تر است.

واحدی و همکاران (۱۳۸۸) در تحقیقی با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر قانون‌گرایی شهروندان (مطالعه موردی: شهروندان استان آذربایجان غربی)» نشان دادند که از بین عوامل مؤثر بر قانون‌گرایی، عمومیت قانون، مذهب افراد، شناخت فرد از قانون و ترس از مجازات، بیش‌ترین تأثیر را بر قانون‌گرایی داشته‌اند و مهم‌ترین آن‌ها، مؤلفه عمومیت قانون بوده است. نتایج دیگر این پژوهش این بود که بین پابندی به مذهب و نگرش دینی با قانون‌گرایی رابطه هم‌بستگی مستقیم و معنی‌دار وجود دارد. افرادی که قانون را از روی شناخت و آگاهی پذیرفته‌اند، به میزان نسبتاً زیادی قانون را در عمل رعایت می‌کنند. تبعیت افراد از قانون، به دلیل عواقب و پیامدهای منفی احتمالی آن است. به عبارت دیگر، افراد در تصمیم‌گیری به‌منظور رعایت یا سرپیچی از قانون از این سازوکار کمک می‌گیرند که پیامدهای مورد انتظار در انجام اعمال مجرمانه را با پیامدهای انجام آن عمل به شکل قانونی مقایسه می‌کنند.

مبانی نظری

برای تبیین پدیده قانون‌گرایی همچون موضوعی اجتماعی در سطح میانی و کلان، از نظریه‌های جامعه‌شناسانه زیر استفاده شد:

نظریات مربوط به عدالت توزیعی: به اعتقاد اندیشمندان علوم اجتماعی، منشأ عدالت توزیعی را باید در نظریه مبادله و نظریه ارزش منزلتی و عدالت کارکردی جست‌وجو کرد؛ زیرا همه آن‌ها بر عادلانه بودن توزیع تأکید کرده‌اند. براساس نظریه مبادله، اگر توزیع پاداش‌ها با معیارهای عدالت متناسب نباشد، احساس بی‌عدالتی رواج پیدا کرده و اعضای جامعه در واکنش به آن از تمکین در برابر مقررات و قوانین پرهیز می‌کنند. آدامز و هومنز نیز بر نقش توزیع عادلانه و رضایت اجتماعی و درنهایت، احترام و پذیرش قوانین صحنه گذاشته‌اند. براساس نظریه انصاف، افراد سعی می‌کنند نوعی تعادل میان داده‌ها و ستانده‌های خویش برقرار سازند. حتی اگر در توزیع پاداش و امکانات به فرد یا افرادی بیش از زحمات‌شان پرداخت شود، نه‌تنها عدالت برقرار نشده، بلکه این کار از طریق فرایند مقایسه اجتماعی بر افزایش بی‌عدالتی مؤثر است. براساس نظریه ارزش منزلتی برگر و همکارانش، اگر انتظارات مردم از قانون با آنچه اجرا می‌شود متفاوت باشد، قطعاً اعضای جامعه آن را ناعادلانه تلقی می‌کنند و ارزیابی مردم از قانون منفی و در مقبولیت آن‌ها مؤثر است. از نظر این دیدگاه قوانین و انتظاراتی که از آن می‌رود، باید تعریف شده و بدون ابهام باشد؛ در غیر این صورت کارآیی خود را از دست داده و بر پذیرش قانون تأثیر منفی می‌گذارد (چلبی، ۱۳۷۵).

نظریه بی‌هنجاری دورکیم: به‌زعم دورکیم، بی‌هنجاری به حالتی از آشفتگی و هیجان و پریشانی گفته می‌شود. این وضعیت (حالت) بدین علت به‌وجود می‌آید که هنجارها یا قواعدی که به‌طور رسمی رفتار مردم را مهار می‌کرده، کارآیی خود را در برابر تغییرات اجتماعی سریعی که در جامعه رخ داده، از دست داده است. دورکیم، وضعیتی را که در آن، قدرت نظارت اجتماعی جامعه سست می‌شود و کنترل جامعه بر تمایلات فردی کارآیی

خود را از دست می‌دهد، «بی‌هنجاری»^۱ می‌خواند. به‌زعم وی، بی‌هنجاری زمانی رخ می‌دهد که تحولی عظیم که به‌ناچار شامل بی‌نظمی غیرمنتظره است، در جامعه واقع شود. او معتقد است نزدیک‌ترین حالت به وضعیت بی‌هنجاری، هم‌زمان با وقوع انقلاب یا جنگ یا بلافاصله پس از رکود اقتصادی شدید غیرمنتظره مشاهده می‌شود. نتیجه چنین وقایعی ممکن است افزایش قانون‌گریزی و رفتارهای تخلف‌آمیز باشد؛ زیرا در این موقعیت غیرعادی که توافق چندانی درباره رفتار مناسب یا نامناسب نیست، بسیار مشکل است که دقیقاً تعیین کرد چه رفتاری تخلف‌آمیز است و حدود عرفی که درهم می‌شکند، تعریف شدنی و تعیین شدنی نیست. در عین حال، مردم به‌طور غیرمعمول تابع «عرفی نوحاسته» می‌شوند و آنچه بخشی از عرف معمول و پذیرفته شده جامعه بوده است، از دست می‌رود (صداقت و دیگران، ۱۳۸۴).

نگرش درباره قانون: از شاخص‌های قانون‌پذیری افراد جامعه و سازگاری آن‌ها با قوانین و مقررات، نگرش به جامعه و قانون است؛ بنابراین، از اهداف اجتماعی شدن، ایجاد آرزو و امید یا به عبارت دیگر، ایجاد نگرش در فرد است. از آنجاکه ابتدای هر عمل و رفتاری از ذهن شروع می‌شود، برای اجرای قانون و پایبندی عملی باید افراد نگرش مثبتی به آن داشته باشند. نگرش مثبت به قانون، افکار و شخصیت افراد را متأثر ساخته و نمود عینی خود را در رفتارهای آنان پیدا می‌کند (محسنی، ۱۳۸۴).

نظریه بی‌سازمانی اجتماعی: از دیدگاه این نظریه، ضعیف شدن کنترل‌های رسمی (نظارت نهادی) در جامعه باعث می‌شود برخی اجتماعات، توانایی خودتنظیمی را از دست بدهند. این موضوع باعث می‌شود پیوندهای اعضای جامعه با همدیگر و با جامعه سست شود و افراد به‌آسانی از هنجارهای مرسوم اجتماع عبور کنند و آن‌ها را زیر پا بگذارند. قانون‌گریزی از این طریق، در جامعه گسترش پیدا می‌کند (صدیق، ۱۳۸۳).

نظریه کنترل اجتماعی هیرشی^۱: پیش فرض این نظریه آن است که افراد رفتار کجروانه خواهند داشت؛ مگر این که کنترل شوند. بر این اساس، ارتکاب رفتار انحرافی به علت فقدان یا ضعف سازوکارهای کنترل اجتماعی در جامعه است. سازوکارهای کنترل اجتماعی دو نوع دارد: کنترل شخصی و کنترل اجتماعی. عوامل کنترل اجتماعی شامل وابستگی و تعلق به نهادهای بنیادین اجتماعی مانند خانواده و مدرسه و دین است. به زعم هیرشی، وفاقی کلی دربارهٔ هنجارها و ارزش‌ها و باورهای (دینی) رایج در جامعه وجود دارد و کنترل اجتماعی بر مبنای این وفاق اجتماعی انجام می‌شود. بر اساس این نظریه، هم‌نوایی با هنجارهای اجتماعی به پیوند میان فرد و نظم اجتماعی وابسته است و هنگامی که این پیوند ضعیف شود، بزهکاری به طور بالقوه می‌تواند ظاهر شود (ممتاز، ۱۳۸۱). وی معتقد است چهار عنصر اصلی شامل وابستگی به اجتماع، تعهد، مشغولیت (مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی) و اعتقاد و باور داشتن به قواعد اجتماعی، موجبات پیوند فرد و جامعه را فراهم می‌نماید (صداقت و دیگران، ۱۳۸۴). همچنین، وی معتقد است میزان اعتقاد افراد به هنجارهای اجتماعی و رعایت قوانین متفاوت است. فردی که خود را تحت تأثیر اعتقادات معمول در جامعه نبیند، هیچ وظیفه اخلاقی و دینی برای هم‌نوایی با قوانین در نظر نمی‌گیرد. این نظریه با نظریه کارکردی دین وبر و دورکیم مشترک است؛ زیرا هر دوی این نظریه‌ها تأکید می‌کنند که دین و باورهای دینی و اعتقاد به آن‌ها مانند نوعی منبع کنترل درونی و اجتماعی عمل می‌کنند و مانعی برای شکل‌گیری آسیب‌های اجتماعی هستند. بر اساس این دو نظریه، انحراف تحت تأثیر اعتقادات خلاف اخلاق معمول در جامعه واقع می‌شود.

نظریه پیوند افتراقی ادوین ساترلند: بر اساس این نظریه، رفتار قانون‌گریزانه از تماس با اشخاص دیگر بر اثر فرایند ارتباط فرا گرفته می‌شود. به این صورت که افراد مستعد قانون‌گریزی در هم‌نشینی با افراد جامعه تعریف‌هایی را یاد می‌گیرند که گاه موافق و گاه مخالف با رفتارهای قانون‌گریزانه است. اگر تعریف‌هایی که کنش‌های قانون‌گریزانه را قبول

1. Hirschi

می‌کنند، با پشتوانه‌ای قوی‌تر از تعریف‌های قانون‌گرایی به فرد القا شود و فرد نیز در دفعات بیش‌تری با این دسته تعاریف مواجه گردد، احتمال این‌که فرد مرتکب قانون‌گریزی شود، بیش‌تر است (روزبهبانی، ۱۳۷۸). البته در تعمیم این نظریه به جوامع و در وضعیت‌های مختلف، باید توجه شود که پاداش و مجازات در نظر اشخاص مختلف متفاوت است. مردم با معیارهای مختلفی پاداش را می‌سنجند و لزوماً همیشه در جست‌وجوی فایده‌مادی تخلف نیستند. می‌توان درباره‌ی متخلفان نتیجه گرفت که از عمل خود پاداشی را دریافت می‌کنند که مطلوب آن‌هاست، ولی در انتظار مجازات چندانی نیستند.

نظریه انتخاب عقلانی: از دیدگاه انتخاب عقلانی، افرادی که دارای انتخاب‌های عقلانی هستند، زمانی دست به قانون‌گریزی می‌زنند که سود خالص مورد انتظاری که از این فعالیت به دست می‌آید، بیش‌تر از آستانه اخلاقی^۱ باشد (لدرمن و دیگران، ۱۹۹۹). بنابراین زمانی که سرمایه اجتماعی در جامعه‌ای زیاد باشد، افراد کم‌تر دست به قانون‌گریزی می‌زنند؛ زیرا با انجام این کار شبکه روابط خود را از دست می‌دهند و از طرف جامعه و اطرافیان طرد می‌شوند. براساس تئوری انتخاب عقلانی، در صورت وجود سرمایه اجتماعی مثبت و روابط گرم متقابل و اعتماد کافی بین اعضای جامعه، افراد در اغلب موارد مرتکب قانون‌گریزی نمی‌شوند؛ چراکه این کار هزینه زیادی برای آن‌ها خواهد داشت. در نتیجه، با توجه به سود کم این انتخاب، از قانون‌گریزی پرهیز می‌کنند (لیتل، ۱۳۸۱).

نظریه کارکردی دین: از نظر دورکیم، دین ملات اجتماعی قوام‌بخشی برای جامعه است. اگر پایبندی مذهبی اعضای جامعه قوی باشد، انسان‌ها کم‌تر به سوی کارهای نامشروع می‌روند و خود را درونی کنترل خواهند کرد که این قوی‌ترین و مؤثرترین نوع کنترل است؛ آن هم بدون هزینه نیروی انتظامی و... (بورکت و همکاران، ۲۰۰۱).

دورکیم در نظریه کارکردی خود درباره‌ی دین، کارکردهای اجتماعی دین را در تقابل و در جهت کاهش بی‌هنجاری اجتماعی و احساس مبتنی بر آن در جامعه می‌داند. وبر درباره‌ی

1. moral threshold

دین و کارکرد آن در تولید نظم در جامعه معتقد است دین‌داران بیش‌تر می‌توانند خواهش‌های غریزی را کنترل کنند، کم‌تر محتمل است که از احساس پوچی در رنج باشند و قوانین را کم‌تر نقض کرده و رفتار انحرافی کم‌تری از خودشان بروز خواهند داد. بنا بر استنتاج حاصل از نظریه‌های مورد اشاره، تقید به دین یا همان دین‌داری می‌تواند موجب کاهش پتانسیل رفتار کجروانه شود (سراج‌زاده، ۱۳۸۸).

چارچوب نظری

در مطالعه حاضر از نظریاتی استفاده شده است که روزنبرگ و هاولند برای اولین بار برای اندازه‌گیری گرایش مفهوم‌سازی کرده‌اند. با استنباط از این نظریه‌ها، به گرایش به قانون در سه بُعد رفتاری و شناختی و احساسی توجه شده است. علاوه بر سنجش میزان قانون‌گرایی شهروندان، لازم بود عوامل مهم و مؤثر بر قانون‌گرایی نیز سنجیده شود؛ از این رو، از نظریه کنترل اجتماعی هیرشی و نظریات کارکردی دین وبر و دورکیم برای تبیین رابطه دین‌داری افراد و قانون‌گرایی استفاده شد. براساس این نظریه‌ها، دین‌اهرم کارآمد استحکام و دوام بخشیدن به هم‌بستگی اجتماعی است و نقش کنترلی خود را با تقویت ارزش‌ها و هنجارها بین پیروان خود به شکل مؤثری ایفا می‌کند و آن‌ها را از ارتکاب به رفتارهای ناپه‌نجان و قانون‌شکنانه باز می‌دارد. بنابراین به‌نظر می‌رسد بین پابندی به اعتقادات مذهبی و عمل به قانون رابطه وجود دارد.

در این بررسی از نظریات مربوط به سرمایه اجتماعی برای تبیین رابطه آن با قانون‌گرایی استفاده شد. سرمایه اجتماعی از طریق سازوکار، میزان قانون‌گرایی افراد و جامعه را تحت تأثیر قرار داده و آن را کاهش یا افزایش می‌دهد. این سازوکارها را می‌توان در فرآیندهای روان‌شناختی اجتماعی و کنش‌های متقابل مشترک با مردم در تمام بخش‌های هر ساختار اجتماعی جست‌وجو کرد. بنابراین به‌منظور تبیین رابطه بین سرمایه اجتماعی و قانون‌گرایی می‌توان از تئوری‌های انتخاب و تئوری‌های ساختار اجتماعی و تئوری‌های فرآیند اجتماعی

استفاده کرد. در هریک از این نظریه‌ها به روش‌های مختلف سعی شده است از مفهوم سرمایه اجتماعی یا یکی از معرف‌های آن برای کمک به تبیین توانایی‌های متفاوت اجتماعات انسانی برای حل دامنه وسیعی از موضوعات جمعی مانند قانون‌گریزی استفاده گردد. در جمع‌بندی کلی درباره نظریات در این زمینه، می‌توان از دو استدلال بنیادی کاهش قانون‌گریزی تحت تأثیر سرمایه اجتماعی صحبت به میان آورد: ۱- سرمایه اجتماعی به سبب ایجاد پتانسیل مثبتی که در فرد ایجاد می‌کند، هزینه‌های روابط و تعاملات اجتماعی را کاهش می‌دهد. در نتیجه، باعث تقویت اعتماد و تسهیل همکاری و حل مسالمت‌آمیز تضادها و تنش‌های اجتماعی بین افراد در جامعه می‌شود؛ به صورتی که در چنین فضایی افراد به شکل مؤثرتری بر فرصت‌طلبی و مشکلات مربوط به عمل جمعی‌شان فائق می‌آیند؛ ۲- سرمایه اجتماعی، تنها به منزله مجموعه‌ای از نهادها و انجمن‌ها و گروه‌هایی که دور هم جمع می‌باشند و به یکدیگر چسبیده‌اند نیست، بلکه بیان‌کننده شدت و نوع رابطه بین آن‌ها و بین کنشگران در جامعه است. بنابراین، در صورتی که بین افراد جامعه پیوند و روابط گرم وجود داشته باشد، بهتر در برابر مسائلی که در کنش‌های جمعی‌شان با آن‌ها مواجه می‌شوند، غلبه می‌کنند و از این طریق، پتانسیل کج‌رفتاری‌ها و بزهکاری و الگوهای قانون‌شکنانه و متضاد توسط افراد در جامعه کاسته خواهد شد.

البته با توجه به این واقعیت که سرمایه اجتماعی انواع مختلف دارد، می‌توان گفت همیشه برای تمام اعضای جامعه دارای تأثیرات مثبت نیست، بلکه فقط در صورتی اثر مثبت دارد که هم سرمایه شناختی و هم سرمایه ساختاری بسیاری در جامعه وجود داشته باشد. در غیراین صورت، شاهد انواع دیگر سرمایه اجتماعی خواهیم بود که ممکن است پیامدهای نامناسبی برای جامعه داشته باشد؛ از جمله افزایش جرائم خشونت‌آمیز، اعتیاد، سرقت، فروپاشی خانواده که موضوع بحث ما در این پژوهش نیستند. با این حال، فرض اساسی در اینجا این است که سرمایه اجتماعی، رفتارها و الگوهای قانون‌شکنانه را در جامعه کاهش می‌دهد.

در تبیین قانون‌گزیزی نیز به نظریهٔ آنومی (بی‌هنجاری) دورکیم توجه شده است. به‌زعم دورکیم، اگر در استانداردهای زندگی تغییرات ناگهانی رخ دهد، هنجارها دچار تغییر می‌گردند و در این حالت، روابط افراد از قیدها آزاد و در نتیجه، نیروهای اخلاقی تضعیف می‌شود. در نهایت پیامد چنین وضعیتی، قانون‌گزیزی و نادیده گرفتن هنجارها شکل می‌گیرد. با این حال فرض اساسی این است که احساس آنومی و بی‌هنجاری در جامعه، رفتارهای قانون‌شکنانه را افزایش می‌دهد.

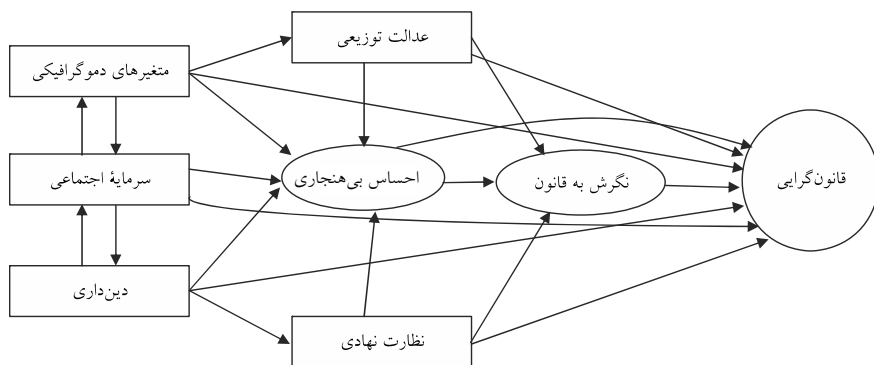
نظریات مبادله و انصاف و عدالت کارکردی نیز در تبیین قانون‌گرایی مفید به‌نظر می‌رسد. براساس این نظریه‌ها، احساس و درک مردم از عدالت اجتماعی، عامل مؤثر دیگری در واکنش مردم به قوانین اجتماعی است. هرچه این احساس مثبت‌تر باشد و مردم در ارزیابی خویش از عدالت، قضاوت خوش‌بینانه‌تری داشته باشند، قطعاً به ملاک‌ها و قوانین اجتماعی بیش‌تر پایبند خواهند شد و اطاعت و پذیرش بیش‌تر می‌شود. گسترش بی‌عدالتی و در نتیجه محرومیت ناشی از آن، حرمت و کرامت انسانی را تضعیف می‌کند و پیامد آن تضعیف حساسیت جامعه نسبت به حقوق اکثریت و در نتیجه قانون است (چلبی و مظفری زوارکی، ۱۳۸۴).

همچنین از آنجاکه ابتدای هر عمل و رفتاری از ذهن شروع می‌شود، افراد باید برای اجرای قانون و پایبندی عملی نگرش مثبتی به آن داشته باشند. نگرش مثبت به قانون، افکار و شخصیت افراد را متأثر ساخته و نمود عینی خود را در رفتارهای آنان پیدا می‌کند (محسنی، ۱۳۸۴). با این حال، به‌نظر می‌رسد هرچه فرد نگرش مثبت‌تری به قانون پیدا می‌کند، از تجربهٔ عینی قانون‌گزیزی وی کاسته می‌شود.

درمورد تبیین قانون‌گرایی براساس ویژگی‌های دموگرافیکی شهروندان نیز از سابقهٔ پژوهش‌های مرتبط با قانون‌گرایی استفاده شد. مثل مطالعات دبیرخانهٔ شورای فرهنگ عمومی، مطالعات صداوسیما (۱۳۷۳)، محسنی (۱۳۷۸)، فخرایی (۱۳۷۸) که به عوامل دموگرافیکی توجه نموده‌اند.

در جمع‌بندی نهایی و با مرور نظریه‌ها و پژوهش‌های مرتبط با قانون‌گرایی مشخص شد که هریک از نظریه‌ها، به بخشی از عوامل قانون‌گرایی توجه کرده است. در مطالعات تجربی که در ایران انجام شده، به‌طور کلی عوامل دموگرافیکی با قانون‌گرایی در ارتباط گذاشته شده است و با توجه به جامعه دینی ایران، کم‌تر به نگرش دینی افراد در شکل‌گیری قانون‌گرایی توجه شده است. بنابراین در پژوهش حاضر، ضمن آن‌که به نقش عوامل دموگرافیکی بر قانون‌گرایی توجه شده، به نگرش دینی، سرمایه اجتماعی، پایگاه اقتصادی اجتماعی، نظارت نهادی، احساس بی‌هنجاری در جامعه و نگرش افراد به قانون تمرکز شده است تا تبیین نسبتاً جامعی درباره قانون‌گرایی به‌دست آید.

مدل نظری



شکل ۱. مدل نظری تحقیق عوامل مؤثر بر قانون‌گرایی

فرضیات تحقیق

۱. بین زنان و مردان از نظر سطح قانون‌گرایی تفاوت وجود دارد؛
۲. بین سن و سطح قانون‌گرایی رابطه وجود دارد؛
۳. بین سطح تحصیلات و سطح قانون‌گرایی رابطه وجود دارد؛
۴. میزان قانون‌گرایی شهروندان براساس وضعیت آنان متفاوت است؛

۵. بین سطح درآمد و سطح قانون‌گرایی شهروندان رابطه وجود دارد؛
۶. بین پایگاه اقتصادی اجتماعی شهروندان و سطح قانون‌گرایی رابطه وجود دارد؛
۷. بین سطح دین‌داری و سطح قانون‌گرایی رابطه وجود دارد؛
۸. بین سطح عدالت توزیعی و سطح قانون‌گرایی رابطه وجود دارد؛
۹. بین سطح آنومی در جامعه و سطح قانون‌گرایی رابطه وجود دارد؛
۱۰. بین سطح نگرش به قانون و سطح قانون‌گرایی رابطه وجود دارد؛
۱۱. بین سطح نظارت اجتماعی و سطح قانون‌گرایی رابطه وجود دارد؛
۱۲. بین سطح سرمایه اجتماعی و سطح قانون‌گرایی رابطه وجود دارد.

روش

پژوهش حاضر به لحاظ زمانی، مقطعی و از لحاظ کاربرد، از نوع کاربردی و روش آن پیمایش^۱ است. جامعه آماری تحقیق را همه افراد متأهل بیش از ۱۵ سال شهرستان یزد در سال ۱۳۹۰ تشکیل می‌دادند که تعداد آن‌ها براساس برآوردهای جمعیتی سال ۱۳۸۵، ۲۵۵۶۸۷ نفر بود. برای تعیین حجم نمونه، پس از انجام پیش‌آزمون روی ۳۰ نفر از سرپرستان خانوار در شهر یزد و به دست آوردن پراکنش صفت مطالعه شده، ۳۶۲ نفر به عنوان حجم نمونه با استفاده از فرمول نمونه‌گیری کوکران با در نظر گرفتن خطای ۰/۰۱ و دقت برآورد $d=0/05$ برآورد شد. با توجه به این که موضوع پژوهش حاضر بررسی تجربی عوامل تأثیرگذار بر قانون‌گرایی بوده است، لذا واحد تحلیل در این تحقیق، فرد پاسخ‌گو یعنی افراد متأهل‌اند. بدین ترتیب سطح تحلیل خرد است. از آنجاکه جامعه آماری گسترده بود و تراکم جمعیتی نیز در نقاط مختلف شهر متفاوت بود، انتخاب نمونه‌نهایی تحقیق، با به‌کارگیری روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای^۲ انجام شد؛ بر این اساس که در مرحله اول، شهر یزد به ۱۰ بلوک شهری به عنوان خوشه تقسیم شد و سپس در داخل خوشه‌ها نمونه‌گیری سیستماتیک به عمل آمد.

1. survey

2. multistage sampling

ابزار اندازه‌گیری: برای گردآوری اطلاعات در تحقیق حاضر از پرسش‌نامه^۱ محقق ساخته استفاده شده است. پرسش‌نامه تحقیق در دو بخش اصلی طراحی و تنظیم شده بود. بخش اول شامل ویژگی‌های اجتماعی جمعیتی و پایگاه اقتصادی اجتماعی پاسخ‌گویان و بخش دوم، شامل مجموعه‌ای از گویه‌ها به صورت طیف لیکرت بود و هفت مقیاس داشت که عبارت است از: قانون‌گرایی و ابعاد آن، دین‌داری و ابعاد آن، سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های آن، احساس عدالت توزیعی، نگرش به قانون، احساس انومی و نظارت نهادی. برای سنجش اعتبار پرسش‌نامه و مقیاس‌های به کار رفته در آن، از روش اعتبار صوری^۲ و برای اندازه‌گیری پایایی براساس تکنیک هم‌مانگی درونی گویه‌ها از ضریب آلفای کرونباخ^۳ استفاده شده است. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل شدند. و برای تجزیه و تحلیل اطلاعات به تناسب سنجش متغیرها از آزمون‌های آماری، مانند تی و ضریب هم‌بستگی پیرسون و رگرسیون چندمتغیره به روش گام‌به‌گام استفاده شده است.

تعریف مفاهیم

قانون‌گرایی: قانون‌گرایی به منزله پذیرش منطق قانون است و رفتاری است که از موافقت با قوانین رسمی جامعه منتج می‌شود. قانون‌گرا نیز کسی است که آگاهانه و از روی اختیار، به قوانین رسمی جامعه احترام می‌گذارد و آن را اجرا می‌کند. در تحقیق حاضر، قانون‌گرایی با سنجش ۲۲ گویه‌ای در سه بُعد شناختی و احساسی و رفتاری سنجش شده که نمرات هریک بین ۱ تا ۵ متغیر است. نمره کل قانون‌گرایی در بازه ۰ تا ۱۰۰ استاندارد شده است (ضریب آلفای کرونباخ قانون‌گرایی کل برابر با ۰/۸۷).

دین‌داری: دین‌داری عبارت است از مجموعه‌ای از آداب و رسوم و دستورهای که فرد دین‌دار با توجه به ایمان و عقیده‌ای که به باورهای مذهبی دین خود دارد، در جامعه بروز می‌دهد (شجاعی زند، ۱۳۸۴). در این تحقیق برای سنجش مفهوم دین‌داری افراد، از مدل گلارک و استارک (تقسیم‌بندی چهاربعدی دین‌داری) و نیز برخی تغییراتی که سراج‌زاده

1. investigated questionnaire

2. face validity

3. Chronbach's alpha

(۱۳۸۸) در گویه‌های برخی از ابعاد آن ایجاد کرده بود، استفاده شده است. براین مبنا، میزان دین‌داری افراد با توجه به ابعاد اعتقادی، پیامدی، عاطفی احساسی و مناسکی بررسی شده است (ضریب آلفای کرونباخ، دین‌داری کل برابر با ۰/۸۰).

سرمایه اجتماعی: پاتنام^۱ سرمایه اجتماعی را جنبه‌هایی از سازمان اجتماعی می‌داند که هماهنگی و همکاری بین افراد را برای نیل به منافع مشترک تسهیل می‌کند. این جنبه‌های سازمان اجتماعی را می‌توان در سه بُعد اعتماد و قابلیت اعتماد و هنجارها و شبکه‌ها مورد توجه قرار داد (قاسمی و دیگران، ۱۳۸۵). در تحقیق حاضر، مؤلفه‌های اعتماد اجتماعی (اعتماد نهادی و اعتماد بین‌شخصی)، هنجارهای اجتماعی، مشارکت اجتماعی، مشارکت مدنی، آگاهی حقوقی و قانونی و احساس امنیت اجتماعی، سازه سرمایه اجتماعی را تشکیل داده‌اند.

نگرش به قانون: به معنی طرز تلقی، وجهه نظر، شیوه تلقی و طرز فکر و رویه است. همچنین ترکیب شناخت و احساس و آمادگی برای عمل به امری معین را نگرش به آن چیز گویند (آلپورت و دیگران، ۱۳۷۱). در تحقیق حاضر نگرش به قانون با تکنیک برش قطبین و به تعداد هفت گویه سنجیده شد. درنهایت پس از جمع‌بندی نمرات گویه‌ها که هریک در مقیاس هفت درجه‌ای طرح شده بودند، به نمره فاصله‌ای نگرش به قانون دست یافتیم.

عدالت توزیعی:^۲ عدالتی است که بدان وسیله، دولت (چون دولت حاکم است) خیرها و مزایا (مناصب، احترامات، پاداش‌ها و مزایای اجتماعی دیگر) را میان شهروندان خود برحسب تناسب‌های هندسی (شایستگی‌ها) تقسیم می‌کند (چلبی و مظفری زوارکی، ۱۳۸۴).

بی‌هنجاری: از نظر مرتون، آنومی به فشاری اطلاق می‌شود که وقتی هنجارهای پذیرفته شده با واقعیت اجتماعی در ستیزند، بر رفتار افراد وارد می‌شود. از نظر دروکیم، آنومی عبارت است از حالتی که در آن قواعد اجتماعی برای عاملان الزام‌آور نیستند و پیروی از آن‌ها برای افراد مطلوبیتی ندارد (گیدنز، ۱۳۸۱). در این تحقیق، آنومی با سنجش چهارگویه‌ای سنجش شده که نمرات هریک بین ۱ تا ۵ متغیر است.

1. Putnam

2. distributive justice

نظارت نهادی: منظور از احساس کنترل نهادی ارزیابی نظارت سازمان‌های دولتی و حضور آن‌ها در تنظیم روابط اجتماعی و اداری افراد است که شامل ارزیابی نظارت دادگستری، نیروی انتظامی، حراست سازمان‌ها، بازرسی کل کشور، نظارت بر قیمت‌ها، سازمان استاندارد و دیوان محاسبات کل کشور است (صداقت و دیگران، ۱۳۸۴). از این رو، از مجموع ارزیابی حضور هریک از نهادهای نظارتی در حوزه‌های اجتماعی و کنش متقابل بین افراد نمره‌ای به دست می‌آید که در مقیاس فاصله‌ای است و هر شهروندی با توجه به تجربه خود، نمره‌ای از معرفی نظارت و کنترل نهادی به دست می‌آورد که بین ۱۰ تا ۰ است.

جدول ۱. مفاهیم و گویه‌های استفاده شده و تعاریف عملیاتی ارائه شده برای سنجش آن‌ها.

مفهوم	ابعاد	تعریف عملیاتی (سؤالات یا گویه‌ها)	الفای کرونیخ
قانون‌گرایی	بُعد احساسی	۱- تا کسی بالای سرم نباشد قانون را رعایت نمی‌کنم؛ ۲- چرا باید از قانون اطاعت کنم؛ درحالی‌که مجریان قانون خود از آن اطاعت نمی‌کنند؟ ۳- درست است که قانون در جامعه مهم است، ولی می‌توان به‌خاطر خانواده و دوستان نزدیک از آن چشم‌پوشی کرد؟ ۴- وقتی دیگران قانون را رعایت نمی‌کنند، چرا من آن را رعایت کنم؟ ۵- احساس می‌کنم هر وقت قانون را رعایت کرده‌ام، از دیگران عقب مانده‌ام؛ ۶- اگر کاری را از طریق نادیده گرفتن قانون انجام دهم، احساس زرتنگی می‌کنم؛ ۷- احساس می‌کنم کسانی که قانون را رعایت می‌کنند، در زندگی موفق‌ترند.	۰/۷۸
	بُعد شناختی	۱- در مجموع آدم‌هایی که قانون را رعایت نمی‌کنند، موفق‌ترند؛ ۲- به تجربه فهمیده‌ام هرگاه قانون را رعایت نمی‌کنم، کارها راحت‌تر انجام می‌شوند؛ ۳- در جامعه ما قانون از آن جهت وضع شده است که فقط عده خاصی نفع ببرند؛ ۴- تجربه نشان داده، گاهی لازم است شهروندان مثلاً از طریق تجمعات، سعی کنند که برخی قوانین را تغییر دهند؛ ۵- رعایت قانون باعث می‌شود تا راحت‌تر به حقوق خودم برسم؛ ۶- اگر انسان پول و پارتی داشته باشد، می‌تواند قانون را نادیده بگیرد؛ ۷- قانون فقط در کتاب‌ها نوشته شده است و در عمل، هرکس هرطور بخواهد رفتار خواهد کرد.	۰/۷۴
	بُعد رفتاری	۱- باید از قوانین اطاعت کنم، حتی اگر مغایر با چیزی باشد که فکر می‌کنم درست است؛ ۲- در هر وضعیتی سعی می‌کنم به قانون عمل کنم؛ ۳- همیشه دیگران را به رعایت قانون تشویق کنم؛ ۴- ترجیح می‌دهم در صف اتوبوس نوبت را رعایت کنم؛ ۵- ترجیح می‌دهم حتی‌الامکان برای پیشبرد کارهای اداری دنبال دوست و آشنا (پارتی) یا راه‌های غیرقانونی نباشم؛ ۶- در شب خلوت، حتی با قرمز بودن چراغ راهنما، ترجیح می‌دهم بایستم؛ ۷- هر وقت قانون را رعایت کرده‌ام، به آنچه می‌خواسته‌ام رسیده‌ام؛ ۸- هر وقت قانون را رعایت نکردم، تاوان و مجازات آن را کشیده‌ام.	۰/۷۴

مفهوم	ابعاد	تعریف عملیاتی (سؤالات یا گویه‌ها)	آلای کرونیخ
دین‌داری	بُعد اعتقادی	۱- در روز قیامت به اعمال و رفتار ما دقیقاً رسیدگی می‌شود و نیکوکاران به بهشت و بدکاران به جهنم خواهند رفت؛ ۲- من به وجود فرشتگان اعتقاد دارم؛ ۳- این دنیای پر از ظلم و جور با ظهور حضرت مهدی (عج) پر از عدل و داد خواهد شد.	۰/۸۲
	بُعد تجربی	۱- هنگام زیارت اماکن متبرکه احساس معنویت عمیقی به من دست می‌دهد؛ ۲- گاهی احساس توبه می‌کنم و از خدا می‌خواهم برای جبران گناهانم به من کمک کند؛ ۳- بدون اعتقادات دینی احساس می‌کنم زندگی‌ام پوچ و بی‌هدف است.	۰/۷۱
	بُعد پیامدی	۱- به‌رغم مشکلاتم در زندگی، سعی می‌کنم به دیگران کمک کنم؛ ۲- در کارهای روزمره‌ام، حلال و حرام را رعایت می‌کنم؛ ۳- به‌عنوان وظیفه دینی به پدر و مادرم احترام می‌گذارم.	۰/۶۱
عدالت توزیعی	بُعد مناسکی	۱- چقدر در دعای توسل یا کمیل شرکت می‌کنید؟ ۲- چقدر قرآن می‌خوانید؟ ۳- چقدر در نماز جماعت شرکت می‌کنید؟ ۴- چقدر صدقه می‌دهید؟	۰/۷۴
	-	۱- در حال حاضر، همه مردم به حداقل درآمد دسترسی دارند؛ ۲- در حال حاضر، همه مردم به حداقل امکانات بهداشتی و تحصیلی دسترسی دارند؛ ۳- در حال حاضر، همه مردم به حداقل امکانات قضایی و حقوقی دسترسی دارند؛ ۴- در حال حاضر، همه مردم به برابر از همه امکانات برخوردارند؛ ۵- به‌طورکلی، همه مردم به صورت سریع صورت می‌گیرد؛ ۶- در حال حاضر، رسیدگی به امور قضایی خیلی رأی می‌کنند.	۰/۸۰
احساس بی‌هنجاری	-	۱- زمانه طوری شده است که نمی‌توان دوست و دشمن را تشخیص داد؛ ۲- در حال حاضر تشخیص آدم خوب از بد بسیار مشکل شده است؛ ۳- با وضعیتی که پیش آمده نمی‌توان حلال و حرام را تشخیص داد؛ ۴- با وضعیت موجود واقعاً نمی‌توان راه درست را از غلط تشخیص داد.	۰/۸۱
نگرش به قانون	-	۱. قانون به‌نفع عموم مردم است؛ ۲- در جهت حل مشکل مردم است؛ ۳- در همه‌جا وجود دارد؛ ۴- مبتنی بر نیاز مردم است؛ ۵- رعایت قانون مفید است؛ ۶- با رعایت قانون انسان احساس آرامش می‌کند؛ ۷- رعایت قانون با احساس موفقیت همراه است.	۰/۸۷
سرمایه اجتماعی	مشارکت اجتماعی	۱- ارائه پیشنهاد به ادارات برای بهبود عملکرد آن‌ها؛ ۲- شرکت در سخنرانی‌های مسئولان اداری؛ ۳- همکاری با دوستان و آشنایان در انجام خدمات عمومی؛ ۴- نرمش یا ورزش‌های سبک در طول هفته.	۰/۷۲
	مشارکت مدنی	۱- عضویت در انجمن‌های خیریه؛ ۲- عضویت در گروه‌های هنری؛ ۳- عضویت در کانون‌های فرهنگی؛ ۴- عضویت در هلال‌احمر؛ ۵. عضویت در هسته‌های مختلف علمی.	۰/۸۳

مفهوم	ابعاد	تعریف عملیاتی (سؤالات یا گویه‌ها)	آلفای کرونباخ
اعتماد بین فردی	اعتماد	۱- به نظر شما مردم تا چه اندازه به یکدیگر اعتماد دارند؟ ۲- فکر می‌کنید در جامعه کنونی تا چه اندازه پابندی به قول و قرار وجود دارد؟ ۳- تا چه حد می‌توان وسایل شخصی را بدون هیچ نگرانی به دوستان قرض داد؟ ۴- امروزه آدم تا چه حد می‌تواند به دوستانش اعتماد کند.	۰/۷۷
اعتماد به متولیان قانون	اعتماد به متولیان قانون	۱- این روزها به سختی می‌توان پلیسی را پیدا کرد که واقعاً بتوان به او اعتماد کرد؛ ۲- به سختی می‌توان به وکلای دادگستری اعتماد کرد؛ ۳- معمولاً قضات به مقام و ثروت افراد توجهی ندارند و برخوردشان با همه یکسان است؛ ۴- قضات بر اساس قانون، با همه یکسان برخورد می‌کنند؛ ۵- نیروی انتظامی به ثروت و مقام افراد کاری ندارد و با همه یکسان برخورد می‌کند؛ ۶- در مجموع می‌توان به قوه قضائیه اعتماد کرد.	۰/۷۸
هنجارهای اجتماعی	هنجارهای اجتماعی	۱- چقدر در هنگام گرفتاری دوستانتان به آنها کمک می‌کنید؟ ۲- چقدر حاضر هستید در زمان مشکلات خانوادگی دوستانتان به آنها کمک کنید؟ ۳- چقدر برای کمک به بهبود اوضاع محل زندگی و جامعه‌تان احساس تکلیف می‌کنید؟ ۴- چقدر حاضرید در جهت حمایت اقتصادی دیگران به آنان پول قرض بدهید؟ ۵- پیش قدم بودن در گوش دادن به درد دل دوستان، همسایه یا افراد فامیل.	۰/۷۶
احساس امنیت اجتماعی	احساس امنیت اجتماعی	۱- تا چه حد از راه رفتن و نشستن در پارک به تنهایی احساس امنیت می‌کنید؟ ۲- تا چه حد از راه رفتن به تنهایی در مسیری خلوت احساس امنیت می‌کنید؟ ۳- تا چه حد از تردد با مسافرخش‌های شخصی احساس امنیت می‌کنید؟ ۴- تا چه حد از دوستی و صحبت کردن با افراد غریبه احساس امنیت می‌کنید.	۰/۸۳
آگاهی قانونی و حقوقی	آگاهی قانونی و حقوقی	۱- آگاهی از اصل سی‌ام قانون اساسی (اصل آموزش و پرورش)؛ ۲- آگاهی از اصل چهل و سوم قانون اساسی (اصل تأمین نیازهای اساسی اعضای جامعه)؛ ۳- قوانین موجر و مستأجر؛ ۴- آگاهی از حقوق خانواده؛ ۵- آگاهی از قانون کار؛ ۶- آگاهی از قوانین بیمه یا چک و سفته.	۰/۸۱

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی

میانگین سنی پاسخ‌گویان در بررسی حاضر، ۳۷/۶۱ بوده است. کم‌ترین و بیش‌ترین سن به ترتیب ۱۹ و ۷۶ است. از میان پاسخ‌گویان، ۴۸/۶ درصد مرد و ۴/۵۱ درصد زن بودند. همچنین از زنان ۳۸/۷ درصد دارای تحصیلات دیپلم هستند و از مردان ۳۶/۱ درصد. ۴۱/۶

درصد از زنان و ۴۰/۴ درصد از مردان دارای تحصیلات لیسانس هستند. ۳/۵ درصد از زنان دارای تحصیلات فوق لیسانس و بیش تر هستند؛ درحالی که ۶/۶ درصد از مردان دارای تحصیلات فوق لیسانس و ۴/۴ درصد آن‌ها دارای تحصیلات دکترا هستند. یافته‌ها نشان داد که ۶۰/۸ درصد از کل پاسخ‌گویان درآمد کم‌تر از ۶۰۰ هزار تومان داشتند. ۳۰/۱ درصد آن‌ها درآمدی بین ۶۰۱ تا ۱ میلیون تومان داشتند. تعداد فراوانی و درصد افرادی که درآمدی بیش‌تر از ۱ میلیون داشتند، تقریباً نزدیک به یکدیگر است و تنها ۱/۷ درصد از افراد درآمد بیش از ۲ میلیون تومان داشتند.

متوسط نمرات آگاهی قانونی شهروندان ۳۶/۹۸ است. به‌عبارتی، در مجموع آگاهی از قوانین نزد شهروندان کم‌تر از متوسط است و این گویای آن است که آگاهی از قوانین نزد شهروندان ضعیف است. میانگین نمرات اعتماد به مجریان قانون در نزد شهروندان ۵۸/۱۱ و از حد متوسط بیش‌تر است. متوسط نمرات مشارکت اجتماعی در شهروندان ۴۱/۹۷ است. متوسط نمرات اعتماد بین شخصی ۴۰/۰۱ است. این میزان کم‌تر از حد متوسط است و گویای آن است که اعتماد بین شخصی در شهروندان ضعیف است. متوسط نمرات مشارکت مدنی شهروندان ۴۶/۸ است. بنابراین میزان کم‌تر از حد متوسط بوده و نشان از ضعیف بودن مشارکت مدنی نزد شهروندان است. متوسط نمرات عمل به هنجارهای اجتماعی ۶۲/۷۲ است. این میزان بیش‌تر از حد متوسط بوده و بیان‌کننده آن است که عمل به هنجارهای اجتماعی در شهروندان نسبتاً خوب است. متوسط نمرات احساس امنیت در شهروندان ۳۳/۲۱ است. این میزان کم‌تر از حد متوسط بوده و بیان‌کننده آن است که احساس امنیت بین شهروندان ضعیف است. به‌طورکلی، متوسط میزان سرمایه اجتماعی بین شهروندان یزدی ۴۵/۹۷ است.

میزان نمرات بُعد اعتقادی دین‌داری شهروندان ۹۱/۲۵ است. این میزان بیان‌کننده آن است که میزان بُعد اعتقادی دین‌داری در شهروندان یزد بسیار بیش‌تر از حد متوسط است. متوسط نمرات بُعد تجربی (عاطفی) دین‌داری شهروندان ۹۱/۸۵ است. این میزان نیز گویای آن است که بُعد تجربی دین‌داری در شهروندان بیش از حد متوسط است. متوسط

نمرات بُعد پیامدی دین‌داری ۸۴/۶۴ است. متوسط نمرات بُعد مناسکی دین‌داری نزد شهروندان یزدی ۵۱/۱۵ است؛ به طوری که حداقل نمره بیان شده ۰ و حداکثر ۱۰۰ است و میزان دین‌داری شهروندان برابر ۶۷/۶۶.

متوسط نمرات احساس عدالت توزیعی بین شهروندان ۴۳/۰۴ و متوسط نمرات احساس آنومی بین شهروندان ۶۹/۳۸ است. متوسط میانگین نمرات نگرش به قانون در شهروندان یزدی برابر ۷۱/۲۹ است. این میزان بیش از حد متوسط بوده و نشان دهنده آن است که قوانین نزد شهروندان یزدی تا حدی از مشروعیت برخوردار است. متوسط میانگین احساس کنترل اجتماعی نزد شهروندان برابر ۷۶/۰۵ است. این میزان بیش از حد متوسط بوده و گویای آن است که عملکرد سازوکارهای کنترل اجتماعی نزد شهروندان خوب ارزیابی شده است.

یافته‌های استنباطی

بر اساس اطلاعات جدول ۲ و مطابق با آزمون تفاوت میانگین انجام شده، ملاحظه می‌شود میانگین قانون‌گرایی شهروندان زن برابر ۶۱/۳۲ و شهروندان مرد برابر ۶۰/۸۹ است که بیان‌کننده قانون‌گرایی بیش‌تر در زنان است؛ اما با توجه به معنی‌داری مقدار p ، $t = ۰/۲۶۶$ این تفاوت از نظر آماری معنی‌دار نیست. به عبارتی، بین میزان قانون‌گرایی شهروندان و جنسیت تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. همچنین بین هریک از ابعاد قانون‌گرایی برحسب جنسیت تفاوت معنی‌دار به لحاظ آماری مشاهده نگردید.

جدول ۲. مقایسه قانون‌گرایی و ابعاد قانون‌گرایی بین شهروندان زن و مرد.

متغیرها	جنسیت	میانگین	انحراف استاندارد	t	p
قانون‌گرایی	زن	۶۱/۳۲	۱۵/۳۱	۰/۲۶۶	۰/۷۹۱
	مرد	۶۰/۸۹	۱۶/۲۷		
بُعد رفتاری	زن	۶۶/۰۱	۱۶/۵۷	۰/۰۹۴	۰/۹۲۵
	مرد	۶۵/۸۴	۱۷/۵۷		

متغیرها	جنسیت	میانگین	انحراف استاندارد	t	p
بُعد شناختی	زن	۵۹/۷۲	۱۸/۳۹	۰/۰۲۳	۰/۹۸۹
	مرد	۵۹/۶۷	۱۷/۳۹		
بُعد احساسی	زن	۶۲/۵۹	۲۰/۶۹	۰/۵۵۶	۰/۵۷۹
	مرد	۶۱/۴۲	۱۹/۳۵		

براساس اطلاعات جدول ۳ و مطابق با آزمون ضریب هم‌بستگی پیرسون انجام شده، ملاحظه می‌شود که بین سن و میزان قانون‌گرایی شهروندان هم‌بستگی مستقیم و معنی‌دار وجود دارد ($p < ۰/۰۵$)؛ یعنی هرچه سن افزایش یابد، میزان قانون‌گرایی نیز افزایش می‌یابد. بین ابعاد قانون‌گرایی، همچون بُعد رفتاری و بُعد شناختی و بُعد عاطفی نیز با سن رابطه هم‌بستگی مثبت و معنی‌داری مشاهده شد؛ یعنی با افزایش سن گرایش به قانون در هریک از ابعاد مذکور نیز افزایش می‌یابد.

جدول ۳. هم‌بستگی سن با قانون‌گرایی و ابعاد قانون‌گرایی شهروندان.

سن	قانون‌گرایی	ابعاد قانون‌گرایی		
		قانون‌گرایی	بُعد رفتاری	بُعد شناختی
سن	$r=۰/۱۷۰^{**}$ $p=۰/۰۰۱$	$r=۰/۱۵۳^{**}$ $p=۰/۰۰۳$	$r=۰/۱۵۱^{**}$ $p=۰/۰۰۴$	$r=۰/۱۲۰^*$ $p=۰/۰۲۲$

** $p < ۰/۰۰۱$

* $p < ۰/۰۵$

از آنجاکه تحصیلات شهروندان در مقیاس فاصله‌ای و قانون‌گرایی نیز در مقیاس فاصله‌ای سنجیده شده است، از آزمون ضریب هم‌بستگی پیرسون برای تعیین هم‌بستگی متغیرهای فوق استفاده شد. در نهایت طبق اطلاعات جدول ۴، بین تحصیلات و قانون‌گرایی شهروندان هم‌بستگی مثبت وجود دارد؛ ولی به لحاظ آماری این رابطه معنی‌دار نیست ($p < ۰/۰۵$). از میان ابعاد قانون‌گرایی، بین تحصیلات و بُعد رفتاری گرایش به قانون، رابطه هم‌بستگی مستقیم و معنی‌داری مشاهده شد ($p < ۰/۰۵$).

جدول ۴. هم‌بستگی بین تحصیلات و قانون‌گرایی و ابعاد قانون‌گرایی شهروندان.

ابعاد قانون‌گرایی			قانون‌گرایی	قانون‌گرایی
بُعد احساسی	بُعد شناختی	بُعد رفتاری		تحصیلات
$r=0/024$ $p=0/654$	$r=0/078$ $p=0/141$	$r=0/129^*$ $p=0/015$	$r=0/092$ $p=0/081$	تحصیلات

* $p<0/05$

براساس اطلاعات جدول ۵ و مطابق با آزمون تحلیل پراکنش انجام شده، ملاحظه می‌شود که میزان قانون‌گرایی شهروندان متفاوت نبوده و این تفاوت طبق معیار $F=1/94$ با مقدار $p>0/05$ ، p معنی‌دار نیست. همچنین بین وضعیت شغلی و هیچ‌یک از ابعاد قانون‌گرایی تفاوت معنی‌داری به‌لحاظ آماری مشاهده نشد.

جدول ۵. مقایسه میزان قانون‌گرایی شهروندان براساس شغل آنان.

بُعد عاطفی		بُعد شناختی			بُعد رفتاری			قانون‌گرایی کل			شغل	
sig	F	میانگین	sig	F	میانگین	sig	F	میانگین	sig	F		میانگین
		۲۵/۹۰			۲۳/۶۳			۳۰/۹۷			۸۰/۵۰	خانه‌دار
		۲۴/۹۳			۲۲			۲۸			۷۵/۵۵	بیکار
		۲۴/۲۱			۲۲/۸۳			۲۹/۶۹			۷۶/۸۳	آزاد
۰/۰۵۳	۲/۰۹۵	۲۵/۹۰	۰/۳۰۱	۱/۲۰۹	۲۳/۹۷	۰/۱۴۰	۱/۶۲	۳۰/۴۶	۰/۰۷۳	۱/۹۴	۸۰/۳۴	کارگر ماهر و غیرماهر
		۲۶/۶۳			۲۴/۰۸			۳۰/۹۴			۸۱/۶۷	کارمند
		۲۷/۳۹			۲۵/۲۶			۳۰/۳۰			۸۲/۹۵	بازنشسته
		۲۴/۱۵			۲۲/۹۲			۲۸/۷۶			۷۵/۸۴	مشاغل سطح بالا
		۲۵/۸۴			۲۳/۶۶			۳۰/۴۳			۷۹/۹۴	کل

از آنجاکه درآمد شهروندان در مقیاس فاصله‌ای و قانون‌گرایی نیز در مقیاس فاصله‌ای سنجیده شده است، از آزمون ضریب هم‌بستگی پیرسون برای تعیین هم‌بستگی متغیرهای فوق استفاده شد. در نهایت طبق اطلاعات جدول ۶، بین درآمد و قانون‌گرایی شهروندان

همبستگی معنی داری وجود ندارد ($p > 0/05$). همچنین بین هیچ یک از ابعاد قانون‌گرایی و درآمد، رابطه همبستگی معنی داری در سطح خطای کم‌تر از ۰/۰۵ مشاهده نشد.

جدول ۶ همبستگی بین درآمد و قانون‌گرایی و ابعاد قانون‌گرایی.

ابعاد قانون‌گرایی			قانون‌گرایی	قانون‌گرایی درآمد
بُعد احساسی	بُعد شناختی	بُعد رفتاری		
$r = 0/019$ $p = 0/726$	$r = -0/041$ $p = 0/439$	$r = 0/047$ $p = 0/376$	$r = -0/006$ $p = 0/931$	درآمد

** $p < 0/001$

* $p < 0/05$

براساس اطلاعات جدول ۷، متوسط قانون‌گرایی شهروندان طبقه اجتماعی پایین ۸۱/۸۲، طبقه متوسط ۷۹/۱۲، و طبقه بالا ۸۰/۰۲ است که طبق معیار $F = 1/64$ و $p < 0/05$ میزان قانون‌گرایی براساس طبقات اجتماعی شهروندان تفاوت معنی دار دارد. همان‌گونه که در جدول فوق نشان داده شده است، میزان قانون‌گرایی در مجموع، برحسب پایگاه اقتصادی اجتماعی مختلف متفاوت است. میانگین‌ها نیز در هریک از سطوح قانون‌گرایی تفاوت معنی داری را نشان می‌دهند.

جدول ۷. مقایسه میزان قانون‌گرایی براساس پایگاه اقتصادی اجتماعی شهروندان.

بُعد عاطفی		بُعد شناختی			بُعد رفتاری			قانون‌گرایی کل			پایگاه اقتصادی اجتماعی	
مقدار احتمال	F	مقدار احتمال	F	میانگین	مقدار احتمال	F	میانگین	مقدار احتمال	F	میانگین		
		۲۶/۲۷			۲۳/۹۸			۳۱/۰۵			۸۱/۸۲	پایین
۰/۰۲۵	۰/۷۷۷	۲۵/۶۴	۰/۰۳۵	۰/۵۹۹	۲۳/۵۲	۰/۰۲۶	۳/۶۸	۲۹/۹۶	۰/۰۲۰	۱/۶۴	۷۹/۱۲	متوسط
		۲۶/۰۲			۲۳/۶۹			۳۰/۲۱			۸۰/۰۲	بالا

براساس اطلاعات جدول ۸ و مطابق با آزمون ضریب همبستگی پیرسون ملاحظه می‌شود، بین میزان عدالت توزیعی و میزان قانون‌گرایی شهروندان همبستگی مستقیم و معنی داری در سطح خطای کم‌تر از $p < 0/001$ وجود دارد؛ یعنی با افزایش نگرش مثبت به احساس عدالت

توزیعی در جامعه، قانون‌گرایی افراد نیز بیش‌تر می‌شود. همچنین بین ابعاد قانون‌گرایی با احساس عدالت توزیعی رابطه هم‌بستگی مثبت و مستقیم و معنی‌داری مشاهده شد.

جدول ۸. هم‌بستگی بین عدالت اجتماعی و قانون‌گرایی و ابعاد آن.

ابعاد قانون‌گرایی			قانون‌گرایی	قانون‌گرایی / عدالت اجتماعی
بُعد احساسی	بُعد شناختی	بُعد رفتاری		عدالت اجتماعی
$r=0/158^*$ $p=0/003$	$r=0/278^{**}$ $p=0/000$	$r=0/168^{**}$ $p=0/001$	$r=0/242^{**}$ $p=0/000$	عدالت اجتماعی

** $p < 0/001$

* $p < 0/05$

براساس اطلاعات جدول ۹ و مطابق با آزمون ضریب هم‌بستگی پیرسون، بین آنومی در جامعه و قانون‌گرایی شهروندان هم‌بستگی معکوس $r=0/125$ با $p=0/017$ به‌دست آمده است. در واقع، با افزایش میزان آنومی در جامعه از میزان قانون‌گرایی شهروندان کاسته خواهد شد. بین احساس آنومی و بُعد شناختی و همچنین بین احساس آنومی و بُعد احساسی رابطه هم‌بستگی معکوس و معنی‌دار مشاهده شد؛ اما بین احساس آنومی و بُعد رفتاری رابطه معنی‌دار مشاهده نشد.

جدول ۹. هم‌بستگی بین آنومی و قانون‌گرایی و ابعاد آن.

ابعاد قانون‌گرایی			قانون‌گرایی	قانون‌گرایی / احساس آنومی
بُعد احساسی	بُعد شناختی	بُعد رفتاری		احساس آنومی
$r=-0/191^{**}$ $p=0/000$	$r=-0/146^{**}$ $p=0/005$	$r=-0/026$ $p=0/022$	$r=-0/125^*$ $p=0/017$	احساس آنومی

** $p < 0/001$

* $p < 0/05$

براساس اطلاعات جدول ۱۰ و مطابق با آزمون ضریب هم‌بستگی پیرسون، بین میزان نگرش به قانون و میزان قانون‌گرایی شهروندان هم‌بستگی مستقیم و معنی‌داری وجود دارد؛ به‌طوری‌که ضریب هم‌بستگی برابر $r=0/496$ با $p < 0/001$ به‌دست آمده است؛ یعنی هرچه قانون از مقبولیت و مشروعیت بیش‌تری نزد شهروندان برخوردار باشد، میزان قانون‌گرایی

آن‌ها نیز افزایش می‌یابد. همچنین بین نگرش به قانون با هر سه بُعد قانون‌گرایی رابطه مستقیم و معنی‌دار وجود دارد.

جدول ۱۰. هم‌بستگی بین نگرش به قانون و قانون‌گرایی و ابعاد آن.

ابعاد قانون‌گرایی			قانون‌گرایی	قانون‌گرایی
بُعد احساسی	بُعد شناختی	بُعد رفتاری		نگرش به قانون
$r=0/399^*$ $p=0/000$	$r=0/490^{**}$ $p=0/000$	$r=0/350^{**}$ $p=0/000$	$r=0/496^{**}$ $p=0/000$	نگرش به قانون

** $p<0/001$

* $p<0/05$

منظور از احساس نظارت نهادی، کنترل و حضور سازمان‌های تنظیم‌کننده روابط اجتماعی افراد در همه حوزه‌های اقتصادی اجتماعی است. با وجود این، طبق اطلاعات جدول ۱۱ و مطابق با آزمون ضریب هم‌بستگی پیرسون انجام شده، بین احساس نظارت نهادی و میزان قانون‌گرایی شهروندان هم‌بستگی مستقیم و معنی‌داری وجود دارد؛ به طوری که ضریب هم‌بستگی برابر $r=0/349$ با $p<0/001$ به دست آمده است. هرچه کنترل و حضور سازمان‌های تنظیم‌کننده روابط اجتماعی افراد بیش‌تر باشد، میزان قانون‌گرایی شهروندان هم بیش‌تر است. همچنین با توجه به اطلاعات جدول، بین احساس نظارت نهادی و هر سه بُعد قانون‌گرایی رابطه هم‌بستگی مستقیم و معنی‌دار وجود دارد.

جدول ۱۱. هم‌بستگی بین میزان نظارت نهادی و قانون‌گرایی شهروندان.

ابعاد قانون‌گرایی			قانون‌گرایی	قانون‌گرایی
بُعد احساسی	بُعد شناختی	بُعد رفتاری		نظارت نهادی
$r=0/319^{**}$ $p=0/000$	$r=0/360^{**}$ $p=0/000$	$r=0/191^{**}$ $p=0/000$	$r=0/349^*$ $p=0/000$	نظارت نهادی

** $p<0/001$

* $p<0/05$

براساس اطلاعات جدول ۱۲ و مطابق با آزمون ضریب هم‌بستگی پیرسون، بین میزان سرمایه اجتماعی و میزان قانون‌گرایی شهروندان هم‌بستگی مستقیم و معنی‌داری وجود دارد؛ به طوری که ضریب هم‌بستگی برابر $r=0/281$ با $p<0/001$ به دست آمده است. به عبارتی، هرچه میزان سرمایه اجتماعی بیشتر شود، میزان قانون‌گرایی نیز افزایش می‌یابد. بین ابعاد سرمایه اجتماعی همچون اعتماد بین شخصی نیز با میزان قانون‌گرایی رابطه هم‌بستگی مثبت و معنی‌داری مشاهده شد؛ یعنی با افزایش اعتماد بین افراد میزان قانون‌گرایی آن‌ها نیز بیش‌تر می‌شود. این رابطه درباره بُعد رفتاری و اعتماد بین شخصی، با وجود رابطه هم‌بستگی مثبت، معنی‌داری پذیرفتنی‌ای را نشان نمی‌دهد.

همچنین بین احساس امنیت و بُعد رفتاری قانون‌گرایی رابطه هم‌بستگی مستقیم و معنی‌داری مشاهده شد؛ یعنی با افزایش احساس امنیت در جامعه، میزان قانون‌گرایی در جامعه و بین افراد افزایش می‌یابد. این رابطه درباره دیگر ابعاد قانون‌گرایی، معنی‌داری پذیرفتنی‌ای را نشان نمی‌دهند. همچنین بین قانون‌گرایی و هریک از ابعاد آن با شاخص‌های اعتماد به مجریان قانون، مشارکت اجتماعی، مشارکت مدنی و عمل و پایبندی به هنجارهای اجتماعی، رابطه مستقیم و معنی‌دار وجود دارد؛ به این معنا که با افزایش هریک از این متغیرها، به میزان قانون‌گرایی، هم در ابعاد و هم در مجموع افزوده می‌گردد.

جدول ۱۲. هم‌بستگی بین سرمایه اجتماعی و قانون‌گرایی و ابعاد آن.

ابعاد قانون‌گرایی			قانون‌گرایی	سرمایه اجتماعی	
بُعد احساسی	بُعد شناختی	بُعد رفتاری		آگاهی به قوانین	ابعاد سرمایه اجتماعی
$r=0/264^{**}$ $p=0/000$	$r=0/277^{**}$ $p=0/000$	$r=0/161^{**}$ $p=0/000$	$r=0/281^{**}$ $p=0/000$	سرمایه اجتماعی	
$r=0/104^*$ $p=0/049$	$r=0/109^*$ $p=0/037$	$r=0/0825^*$ $p=0/0108$	$r=0/119^*$ $p=0/023$	اعتماد به مجریان قانون	
$r=0/344^{**}$ $p=0/000$	$r=0/430^{**}$ $p=0/000$	$r=0/224^{**}$ $p=0/000$	$r=0/401^{**}$ $p=0/000$	مشارکت اجتماعی	
$r=0/148^{**}$ $p=0/005$	$r=0/182^{**}$ $p=0/001$	$r=0/124^{**}$ $p=0/018$	$r=0/181^*$ $p=0/001$		

ابعاد قانون‌گرایی			قانون‌گرایی	سرمايه اجتماعي
بُعد احساسی	بُعد شناختی	بُعد رفتاری		
$r=0/269^{**}$ $p=0/000$	$r=0/278^{**}$ $p=0/000$	$r=0/036$ $p=0/496$	$r=0/235^{**}$ $p=0/000$	اعتماد بین شخصی
$r=0/272^*$ $p=0/000$	$r=0/272^{**}$ $p=0/000$	$r=0/268^{**}$ $p=0/000$	$r=0/285^{**}$ $p=0/000$	مشارکت مدنی
$r=0/264^{**}$ $p=0/000$	$r=0/210^{**}$ $p=0/000$	$r=0/177^{**}$ $p=0/001$	$r=0/260^{**}$ $p=0/001$	هنجارهای اجتماعی
$r=0/019$ $p=0/724$	$r=0/027$ $p=0/611$	$r=0/11^*$ $p=0/036$	$r=0/025^*$ $p=0/023$	احساس امنیت

** $p < 0/001$

* $p < 0/05$

بر اساس اطلاعات جدول ۱۳ و مطابق با آزمون ضریب هم‌بستگی پیرسون، بین میزان دین‌داری و میزان قانون‌گرایی شهروندان هم‌بستگی مستقیم و معنی‌داری با مقدار $r=0/391$ و $p < 0/000$ وجود دارد؛ یعنی با افزایش میزان دین‌داری شهروندان، میزان قانون‌گرایی آنان نیز افزایش می‌یابد.

بین ابعاد دین‌داری با شاخص‌های چون بُعد اعتقادی، بُعد تجربی، بُعد پیامدی و بُعد مناسکی و میزان قانون‌گرایی رابطه هم‌بستگی مثبت و معنی‌داری مشاهده شد. در این میان، بُعد پیامدی بیش‌ترین ضریب هم‌بستگی را با قانون‌گرایی دارد ($r=0/322$). همچنین بُعد رفتاری و بُعد شناختی و بُعد احساسی با شاخص‌های دین‌داری اعتقادی، تجربی، پیامدی و مناسکی رابطه مستقیم و معنی‌داری دارند؛ به این معنا که با افزایش هر یک از این متغیرها بر میزان قانون‌گرایی افراد (شهروندان) افزوده می‌گردد.

جدول ۱۳. هم‌بستگی بین دین‌داری و قانون‌گرایی و ابعاد آن شهروندان.

ابعاد قانون‌گرایی			قانون‌گرایی	دین‌داری
بُعد احساسی	بُعد شناختی	بُعد رفتاری		
$r=0/292^{**}$ $p=0/000$	$r=0/327^{**}$ $p=0/000$	$r=0/361^{**}$ $p=0/000$	$r=0/391^{**}$ $p=0/000$	دین‌داری

ابعاد قانون‌گرایی			قانون‌گرایی	قانون‌گرایی	
بُعد احساسی	بُعد شناختی	بُعد رفتاری		دین‌داری	
$r=0/188^{**}$ $p=0/000$	$r=0/214^{**}$ $p=0/000$	$r=0/209^{**}$ $p=0/000$	$r=0/244^{**}$ $p=0/000$	بُعد اعتقادی	دین‌داری
$r=0/205^{**}$ $p=0/000$	$r=0/216^{**}$ $p=0/000$	$r=0/279^{**}$ $p=0/000$	$r=0/280^{**}$ $p=0/000$	بُعد تجربی	
$r=0/215^{**}$ $p=0/000$	$r=0/210^{**}$ $p=0/018$	$r=0/384^{**}$ $p=0/005$	$r=0/322^{**}$ $p=0/001$	بُعد پیامدی	
$r=0/238^{**}$ $p=0/000$	$r=0/286^{**}$ $p=0/496$	$r=0/240^{**}$ $p=0/000$	$r=0/306^{**}$ $p=0/000$	بُعد مناسکی	

** $p < 0/001$

* $p < 0/05$

تبیین میزان قانون‌گرایی شهروندان در مدل رگرسیونی براساس متغیرهای مستقل: به‌منظور تبیین میزان قانون‌گرایی شهروندان براساس مجموع متغیرهای مستقل معنی‌دار، از رگرسیون چندمتغیره به روش گام‌به‌گام استفاده شد. طبق اطلاعات جدول ۱۴، از هفت متغیر وارد شده به معادله رگرسیونی، پنج متغیر مستقل مهم در مدل رگرسیونی باقی ماندند که ضریب هم‌بستگی چندگانه آن‌ها با قانون‌گرایی شهروندان برابر $R = 0/572$ و ضریب تعیین برابر $R^2 = 0/327$ و ضریب تعیین تعدیل شده برابر $R^2_{Adj} = 0/317$ به دست آمد. این ضریب بیان‌کننده آن است که با استفاده از پراکنش ترکیب خطی متغیرهای مستقل معادله رگرسیونی، می‌توان ۳۱/۷ درصد از پراکنش قانون‌گرایی را توضیح داد. بقیه تغییرات متغیر وابسته به دلیل پیچیده و چندبُعدی بودن متغیر وابسته تحقیق، یعنی قانون‌گرایی و همچنین به حساب نیامدن برخی متغیرهایی است که بر این متغیر تأثیرگذار هستند. مدل رگرسیونی تبیین شده نیز طبق آزمون تحلیل پراکنش انجام شده خطی و معنی‌دار است؛ زیرا مقدار آزمون F برای تعیین معنی‌داری اثر متغیرهای مستقل بر سطح قانون‌گرایی برابر ۳۱/۳۴۵ با سطح معنی‌داری $p = 0/000$ می‌باشد.

جدول ۱۴. ضریب هم‌بستگی چندگانه برای تبیین قانون‌گرایی شهروندان.

P	F	R ^۲ _{Adj}	R ^۲	R
۰/۰۰۰	۳۱/۳۴۵	۰/۳۱۷	۰/۳۲۷	۰/۵۷۲

در مجموع طبق اطلاعات جدول ۱۵ و با توجه به ضرایب بتاهای استاندارد شده، به ترتیب دین‌داری با مقدار $\beta=۰/۲۸۷$ ، سرمایه اجتماعی با مقدار $\beta=۰/۲۲۹$ ، احساس نظارت نهادی با مقدار $\beta=۰/۲۲۳$ ، سن با مقدار $\beta=۰/۱۳۲$ و احساس عدالت توزیعی با مقدار $\beta=۰/۱۰۳$ بیش‌ترین تأثیر را در تبیین تغییرات و پیش‌بینی قانون‌گرایی شهروندان داشته‌اند.

جدول ۱۵. ضرایب متغیرهای باقی‌مانده در معادله رگرسیونی به‌روش گام‌به‌گام.

مقدار احتمال	t	ضریب استاندارد شده	ضرایب خام		گویه‌های مستقل
		Beta	Std.Error	B	
۰/۰۲۶	۱/۲۲	—	۶/۲۱	۶/۹۷	مقدار ثابت
<۰/۰۰۱	۵/۹۹	۰/۲۸۷	۰/۱۰۱	۰/۶۰۷	دین‌داری
<۰/۰۰۱	۴/۶۸	۰/۲۲۹	۰/۰۴۱	۰/۱۹۱	سرمایه اجتماعی
<۰/۰۰۱	۴/۵۸	۰/۲۲۳	۰/۰۷۷	۰/۳۵۴	نظارت نهادی
۰/۰۰۴	۴/۸۶	۰/۱۳۲	۰/۰۵۱	۰/۱۴۷	سن
۰/۰۳۰	۲/۱۷	۰/۱۰۳	۰/۱۰۵	۰/۲۲۹	عدالت (اجتماعی) توزیعی

بحث

توجه به قانون و رعایت آن در هر جامعه‌ای موجب استحکام و انسجام آن جامعه می‌شود. با این حال، برخی افراد بنا به دلایلی تمایل به قانون‌گریزی دارند. نوع رویارویی آدمیان با قانون و به‌اصطلاح، چگونگی جهت‌گیری آن‌ها در برابر قوانین جاری (پذیرفتن یا نپذیرفتن آن) از معضلاتی است که همواره گریبان‌گیر بشر بوده و هست و فقط جوامعی توانسته‌اند نظام مردم‌سالار را تثبیت کرده و به کرامت انسانی دست یابند که با اتخاذ تدابیری منطقی، شرایطی را برای استقرار قانون و پذیرش آن فراهم کرده باشند (چلبی و مظفری زوارکی، ۱۳۸۴). نپذیرفتن قوانین، هستی اجتماعی را تهدید می‌کند. در ایجاد چنین فضایی و قبض

و بسط آن عوامل متعددی در سطح خرد و کلان اجتماعی دخیل هستند؛ از این رو، هدف مقاله حاضر بررسی عوامل مؤثر بر قانون‌گرایی است.

نتایج تحلیل داده‌های آماری بیان‌کننده آن است که هرچند میزان قانون‌گرایی زنان بیش از مردان است، اما تفاوت معنی‌داری به‌لحاظ آماری بین قانون‌گرایی زنان و مردان وجود ندارد. همچنین بین هریک از ابعاد قانون‌گرایی برحسب جنسیت، تفاوت معنی‌دار به‌لحاظ آماری مشاهده نشد که با نتایج پژوهش‌های مرکز تحقیقات و مطالعات و سنجش برنامه‌ای صداوسیما جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۳) و پژوهش علی‌وردی‌نیا (۱۳۷۳) و پژوهش صداقت و همکاران (۱۳۸۴) همسویی داشته باشد.

از دیگر نتایج این تحقیق این بود که بین سن و قانون‌گرایی، به‌لحاظ آماری رابطه هم‌بستگی معنی‌دار وجود دارد. به‌عبارتی، هرچه سن افراد بیش‌تر شود، بر میزان قانون‌گرایی آنان افزوده می‌گردد. این یافته با نتایج پژوهش دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی استان آذربایجان شرقی (بهار ۱۳۷۵) و پژوهش اداره کل ارشاد اسلامی آذربایجان غربی (۱۳۷۵) و همچنین پژوهش محسنی (۱۳۷۸) همخوانی دارد. درحقیقت بین سن و قانون‌گریزی رابطه معنی‌داری در تحقیقات مختلف مشاهده شده است؛ به این معنا که گروه‌های کم‌سن‌وسال یا نوجوانان و جوانان، بیش از سایر گروه‌های سنی رفتاری نابهنجار دارند یا از هنجارها و ارزش‌های اجتماعی تخطی می‌کنند. هرچقدر سن افراد بیش‌تر شود، قانون‌گریزی آن‌ها کم‌تر می‌شود. به‌تعبیردیگر، با افزایش سن، افراد قانون‌مدارتر می‌شوند. به‌نظر می‌رسد افزایش سن و کاهش قانون‌گرایی با متغیرهای دیگری همچون وضعیت تأهل و تحصیلات و اشتغال بی‌ارتباط نباشد.

نتایج این تحقیق نشان داد به‌لحاظ آماری، تفاوت معنی‌داری بین قانون‌گرایی و وضعیت شغلی افراد وجود ندارد. این نتیجه برخلاف یافته‌های پژوهش صداقت و همکاران (۱۳۸۴) و محسنی (۱۳۷۸) و پژوهش دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی آذربایجان شرقی (بهار ۱۳۷۵) است.

نتایج این پژوهش نشان داد به لحاظ آماری، بین تحصیلات و قانون‌گرایی هم‌بستگی معنی‌داری مشاهده نشد. البته گفتنی است بین تحصیلات و گرایش به قانون در بُعد رفتاری، هم‌بستگی مستقیم و معنی‌دار به لحاظ آماری وجود دارد. به عبارتی با افزایش تحصیلات، گرایش به قانون در بُعد عملی و رفتاری شهروندان بیش‌تر خواهد شد؛ از این رو می‌توان انتظار داشت هرچه بر اطلاعات و دانش و تحصیلات افراد در جامعه افزوده شود، قوانین و مقررات از اقبال و پذیرش عمومی بیش‌تری برخوردار می‌شوند. این نتیجه با نتایج پژوهش دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی آذربایجان شرقی (بهار ۱۳۷۵) و پژوهش اداره کل ارشاد اسلامی استان آذربایجان غربی (۱۳۷۵) و محسنی (۱۳۷۸) و ریچارد (۲۰۰۴) در انگلستان همخوانی دارد و برخلاف نتایج پژوهش رازقی (۱۳۷۷) و علی‌وردی‌نیا (۱۳۷۳) است. در تبیین این یافته می‌توان گفت تحصیلات، تأثیری دوسویه بر قانون‌گرایی دارد؛ به این معنا که در برخی زمینه‌ها به افزایش پایبندی به هنجارها می‌انجامد یا رفتارهای مثبت اجتماعی را تقویت می‌کند و گاهی زمینه‌ساز تخطی از هنجارها می‌شود یا به تضعیف آن‌ها می‌پردازد. افراد تحصیل‌کرده بیش‌تر به هنجارهای مدنی پایبندند و کم‌تر به هنجارهای سنتی جامعه پایبندی نشان می‌دهند. برای مثال، به نظر می‌رسد افراد تحصیل‌کرده کم‌تر از افراد با تحصیلات کم‌تر از قوانین رسمی جامعه تخطی می‌کنند و اگر هم خلافی از آن‌ها سر می‌زند، فراوانی و شدت جرایم آن‌ها کم‌تر از افراد با تحصیلات کم است. همچنین به نظر می‌رسد تحصیل‌کرده‌ها بیش‌تر و راحت‌تر از افراد با تحصیلات کم، از نوع نرم و ضعیف قانون‌گریزی دارند. به هر حال، قانون‌گرایی انجام رفتارهای متعارف و عامه‌پسند و عدم ارتکاب یا گرایش به جرائم، در بین افراد تحصیل‌کرده فراوانی بیش‌تر دارد یا با افزایش تحصیلات افزایش می‌یابد (رفیع‌پور، ۱۳۷۸؛ به نقل از: علی‌بابایی و فیروزجائیان، ۱۳۸۸).

همچنین نتایج پژوهش نشان داد بین پایگاه اقتصادی اجتماعی افراد و قانون‌گرایی رابطه معنی‌داری وجود دارد. این یافته با نتایج پژوهش صداقت و همکاران (۱۳۸۴)

همخوان است. به نظر می‌رسد افراد با پایگاه اجتماعی برتر، عمدتاً هنجارهای مدنی را بیش‌تر رعایت می‌کنند و افراد با پایگاه اجتماعی ضعیف‌تر عمدتاً هنجارهایی را رعایت می‌کنند که بنیانی دینی مذهبی دارند. نمونه آن را می‌توان در زمینه رعایت حجاب مشاهده کرد (علی‌بابایی و فیروزجائیان، ۱۳۸۸). به عبارتی، برخی هنجارهای مثبت اجتماعی هم‌بسته طبقات بالا و برخی دیگر هم‌بسته طبقات پایین است. همچنین، از نظر صاحب‌نظرانی همچون مارکس و میشل بست و شمولر، فرد تحت تأثیر طبقه و پایگاه اقتصادی اجتماعی خویش قرار دارد. به‌علاوه، کوهن و والترمیلر نیز بر نقش طبقه در هدایت اعضای خویش صحنه گذاشته و آن را در پذیرش پدیده‌های اجتماعی تأثیرگذار دانسته‌اند؛ به‌گونه‌ای که به موازات ارتقای فرد در سلسله مراتب اجتماعی و طبقاتی، مخالفت با قانون (قانون‌گریزی) کاهش می‌یابد.

از دیگر نتایج این پژوهش این بود که به‌لحاظ آماری، بین احساس عدالت توزیعی یا نگرش به عدالت توزیعی و میزان قانون‌گرایی در جامعه رابطه هم‌بستگی معنی‌دار وجود دارد. به عبارت دیگر، هرچه عدالت توزیعی در جامعه و مردم بیش‌تر شود، میزان قانون‌گرایی از طرف شهروندان نیز افزایش می‌یابد. این یافته با پژوهش صداقت و همکاران (۱۳۸۴) همخوان بوده و در راستای مطالب ارائه شده در نظریات مبادله و نظریه ارزش منزلتی برگر و همکاران و نظریه عدالت کارکردی است.

همچنین نتایج این پژوهش نشان داد که بین میزان نگرش به قانون (مقبولیت اجتماعی قانون) و قانون‌گرایی رابطه مستقیم و معنی‌دار وجود دارد. به عبارتی، هرچه نگرش افراد از قانون مثبت‌تر باشد، بر میزان قانون‌گرایی آنان نیز افزوده می‌گردد. این نتایج با نتایج پژوهش صداقت و همکاران (۱۳۸۴)، چلبی و مظفری زوارکی (۱۳۸۳)، محسنی، رضاعلی (۱۳۸۴)، واحدی و همکاران (۱۳۸۸) و محسنی (۱۳۷۸) همخوان است.

نتایج این پژوهش نشان داد که بین میزان نظارت اجتماعی و قانون‌گرایی هم‌بستگی مستقیم و معنی‌داری وجود دارد. به عبارت دیگر، هرچه نظارت و کنترل اجتماعی در

جامعه‌ای بیش‌تر باشد، احتمال ارتکاب اعمال خلاف قانون افراد جامعه کم خواهد شد. این یافته با نتایج پژوهش رضایی (۱۳۸۴) و صداقت و همکاران (۱۳۸۴) و واحدی و همکاران (۱۳۸۸) همخوان است. می‌توان این گونه تبیین کرد که هرچه افراد ارزیابی منفی از قطعیت نظام تنبیهی داشته باشند، راحت‌تر می‌توانند از قوانین جاری جامعه تخلف کنند. در همین راستا، هزینه‌اندک انجام امور در اداره از طریق رشوه و سفارش، موجب توسعه رویه‌های غیرقانونی در ادارات یا فساد می‌شود (علی‌بابایی و فیروزجائیان، ۱۳۸۸). با این حال، تسامح نهادهای قانونی به‌ویژه تعلل قوه قضائیه در مقابله با قانون‌شکنان باعث جسارت بیش‌تر متخلفان و قانون‌ستیزان می‌شود و امید‌گریز از کیفر، آن‌ها را بیش‌ازپیش جسور و بی‌پروا می‌کند. وانگهی کارا نبودن سازوکارهای قانونی موجب گسترش تقاص و اقدام خودسرانه می‌شود که این نیز نوعی قانون‌گریزی محسوب می‌شود (دانایی‌فرد و دیگران، ۱۳۸۸).

از دیگر نتایج این پژوهش این بود که بین میزان احساس آنومی و میزان قانون‌گرایی رابطه هم‌بستگی معکوس و معنی‌داری وجود دارد. این رابطه در بُعد رفتاری با وجود منفی بودن مقدار آن، به‌لحاظ آماری معنی‌دار نبود. ولی در سایر ابعاد قانون‌گرایی ارتباط منفی بین این دو مفهوم وجود دارد. هرچه میزان آنومی در جامعه افزایش یابد، از میزان قانون‌گرایی کاسته می‌شود. این یافته با نتایج پژوهش رضایی (۱۳۸۴) و صداقت و همکاران (۱۳۸۴) همسویی دارد. به‌صورت تجربی می‌توان گفت بین دو متغیر نبود هنجار و قواعد حقوقی (بی‌هنجاری) و قانون‌گرایی رابطه معکوس وجود دارد؛ به‌طوری‌که هر اندازه وضع محیطی و اجتماعی جامعه از هنجارها و قواعد حقوقی روشن برخوردار باشد، میزان و گرایش پذیرش قانون و مقررات افزایش می‌یابد (محسنی، ۱۳۸۴). از نظر دورکیم، سستی هنجارهای اجتماعی پیشین و بی‌اعتبار شدن سنت‌ها و پیوندهای گروهی معمول به‌واسطه پیشرفت و توسعه انبوهی، علت اصلی بی‌هنجاری و آنومیک است. به‌زعم وی، زمانی که قواعد اجتماعی در جوامع پیچیده‌ای که با کاهش هم‌بستگی و وفاق روبه‌روست،

کم‌تر التزام آور می‌شود و مردم احساس می‌کنند که از فشار هنجارهای اجتماعی کاسته شده است، آن‌گاه افزایش شواهد انحرافات هم‌چون جرم و قانون‌گریزی اجتناب‌ناپذیر می‌شود. این موضوع نشان دهنده حضور آنومی یا بی‌هنجاری در جامعه است (واحدی و همکاران، ۱۳۸۸). این وضعیت با توجه به جوا نبودن ساخت سنی جمعیت ایران، بسط ارتباطات و گسترش تماس فرهنگی با جوامع دیگر و برخی تحولات اقتصادی اجتماعی حاد، افزایش شهرنشینی، مهاجرت و اجرای برنامه‌های توسعه‌ای در جامعه (از جمله در استان یزد)، می‌تواند نفوذ و انسجام هنجارهای پیشین اجتماعی را تحت تأثیر خود قرار داده و از میزان وفاق پیشین آن‌ها بکاهد و زمینه بی‌هنجاری و به‌تبع آن، به ظهور قانون‌گریزی و نظم‌ستیزی در جامعه بینجامد.

نتایج این پژوهش نشان داد هرچه میزان آگاهی قانونی شهروندان بیش‌تر باشد، میزان قانون‌گرایی آنان نیز افزایش می‌یابد. این یافته با نتایج پژوهش دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی استان آذربایجان شرقی (بهار ۱۳۷۵) و محسنی (۱۳۷۸) و واحدی و همکاران (۱۳۸۸) همسویی دارد. برای این‌که قانون در جامعه حاکم شود، باید اعضای جامعه شناخت و آگاهی کافی از آن داشته باشند؛ یعنی شناخت قدم اول برای اجرای قوانین و مقررات است. هرچه آمار افرادی که قوانین را می‌فهمند و به آن دسترسی دارند بیش‌تر باشد، به همان نسبت از میزان جرائم کاسته می‌شود. به این دلیل که نادانی و دودلی در قبال اجرای مجازات، به امیال و هوس‌ها میدان می‌دهد و باعث رواج تدریجی قانون‌گریزی در جامعه می‌شود (دانایی‌فرد و همکاران، ۱۳۸۸). اطلاع نداشتن مردم از قانون (که می‌تواند ناشی از مطابق نبودن قانون و عرف یا ناشی از جدید بودن موضوع قانون مصوب یا پیچیده‌تر شدن قانون و... باشد) مانع از قانون‌مداری افراد جامعه خواهد شد. در تحقیقی در این زمینه، آگاهی‌های عمومی کم مردم بیش‌ترین تأثیر (۸۰/۶ درصد) را در نادیده گرفتن قوانین داشته است (فخرایی، ۱۳۷۸).

هرچه مشارکت اجتماعی در افراد بیش‌تر باشد، میزان قانون‌گرایی آنان نیز بیش‌تر

خواهد شد. این یافته با نتایج پژوهش صداقت و همکاران (۱۳۸۴) و ریچارد (۲۰۰۴) همسویی دارد. همچنین بنا بر یافته در این پژوهش هرچه میزان مشارکت مدنی و ارتباطات اجتماعی بین افراد جامعه و نهادهای مدنی بیش تر باشد، بر میزان قانون‌گرایی شهروندان افزوده می‌گردد. این یافته‌ها با پژوهش ریچارد (۲۰۰۴) همسویی دارد. همچنین بین عمل کردن شهروندان به هنجارهای اجتماعی و قانون‌گرایی رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد. به عبارتی، هرچه پابندی و تعهد به هنجارهای اجتماعی بین شهروندان بیش تر باشد، میزان قانون‌گرایی آنان افزایش می‌یابد. از نظر پاتنام سرمایه اجتماعی آثار نیرومندی بر بسیاری از ابعاد گوناگون زندگی دارد. برخی از این آثار عبارت است از: میزان اندک جرم و جنایت، طول عمر بیش تر، بهداشت بهتر، موفقیت تحصیلی بیش تر، فساد اداری کم تر و عملکرد بهتر دستگاه‌های دولتی. به زعم وی، چنانچه سرمایه اجتماعی به معنی وجود هنجارهای رفتاری مبتنی بر تشریک مساعی باشد، کج رفتاری‌های اجتماعی نیز نشانه فقدان یا کاهش سرمایه اجتماعی است (شریفیان ثانی، ۱۳۸۰). از نظر فوکویاما، افزایش سرمایه اجتماعی منجر به تقویت نظم و کاهش آن حاکی از وجود انحرافات اجتماعی، جرم و جنایت، قانون‌شکنی و امثال آن است (صدیق سروستانی، ۱۳۸۳). کاکس (۱۹۹۷) با تأکید بر اهمیت عامل اعتماد در شکل‌گیری سرمایه اجتماعی، این نکته را مطرح می‌کند که اعتماد برای پذیرش قوانین در جامعه لازم است. وی معتقد است وقتی تمرکز بر تغییر رفتار گروه‌های فرعی در گروهی مشخص است، تغییر در رفتار محتمل نیست؛ مگر درجه‌ای از اعتماد اجتماعی و مدنی و اعتماد تعمیم یافته وجود داشته باشد. در غیراین صورت، منابع اختیار و قدرت از هیچ‌گونه احترامی برخوردار نخواهند بود که به آن متکی باشند (کاکس ۱۹۹۷؛ به نقل از: شریفیان ثانی، ۱۳۸۰). با در نظر گرفتن رابطه بین میزان رعایت هنجارهای اجتماعی (از قبیل حمایت اجتماعی)، توضیح این که پاتنام معتقد است هنجارهای اجتماعی تأثیر زیادی در تولید سرمایه اجتماعی و افزایش امنیت اجتماعی دارند. از نظر وی در درون گروه اجتماعی، هنجارهایی هستند که مهم‌ترین سودمندی آن‌ها تقویت اعتماد،

کاهش هزینه معاملات و تسهیل همکاری است. گروه‌ها و جوامعی که بر آن‌ها این هنجارها حاکم است و از آن پیروی می‌کنند، به شکل مؤثری بر فرصت‌طلبی و مشکلات مربوط به عمل جمعی فائق می‌آیند (فیلد، ۲۰۰۵). فوکویاما معتقد است که قدرت و کارایی سرمایه اجتماعی در جامعه به میزان پایبندی اعضای آن جامعه به هنجارها و ارزش‌های مشترک و توانایی آن‌ها برای چشم‌پوشی از منافع شخصی در راستای خیر و سعادت همگانی بستگی دارد (پروساک، ۲۰۰۱).

نتایج این پژوهش نشان داد که بین دین‌داری با گرایش به قانون‌هم‌بستگی مستقیم و معنی‌دار وجود دارد. ضمن این‌که چنین رابطه‌ای درباره سایر ابعاد دین‌داری و میزان قانون‌گرایی شهروندان صدق می‌کند و تمام ابعاد دین‌داری هم‌بستگی مثبت و معنی‌دار با همه ابعاد قانون‌گرایی داشته‌اند؛ یعنی هرچه میزان دین‌داری افراد بیش‌تر باشد، میزان قانون‌گرایی آنان نیز افزایش می‌یابد. این یافته با نتایج پژوهش صداقت و همکاران (۱۳۸۴)، واحدی و همکاران (۱۳۸۸)، لوژین کوان (۲۰۰۸)، دانگ ژیشو و لیو کینگ شانگ (۲۰۱۰) و بورکت و همکاران (۲۰۰۱) همسویی دارد. یافته‌های نظری و تجربی بیان‌کننده آن است که دین و راهکارهای دینی با محور قرار دادن آموزه‌های دینی به‌مثابه معیار و هنجار مطلوب رفتار، به تنظیم و کنترل رفتار و روابط اجتماعی طیف وسیعی از افراد جامعه می‌پردازد و با توجه به این قدرت بازدارندگی‌اش، از بروز آسیب‌های اجتماعی همچون قانون‌گریزی جلوگیری می‌کند (لو جین کوان، ۲۰۰۸). به عبارت دیگر، دین از طریق پایبندی فرد به مجموعه‌ای از معیارهای هنجاری که با ضمانت‌های اجرایی و اجتماعی همراه است، مانند نوعی سازوکار کنترل بیرونی عمل می‌کند. این ضمانت‌ها در بستر کنش متقابل میان دین‌داران و در خلال فرایندهایی مانند نفوذ اجتماعی، یادگیری، هم‌نشینی یا تقویت و گاه در شکل نكوهش‌های اخلاقی جلوه‌گر می‌شود. سرچشمه این نكوهش نیز اغلب در آموزه‌های دینی است (واحدی و دیگران، ۱۳۸۸) و همچنین در سیره و گفتار معصومان (ع) و بزرگان دین، به‌کرّات ذکر شده است؛ به‌طوری که در جامعه مدنی

اسلامی که ریشه در مدینه‌النبی دارد، در معارف اسلامی به معنویت که از ارزش‌های دینی محوری است، توجه خاصی می‌شود. بنابراین در پژوهش حاضر نیز ایمان مردم شهر یزد، به‌مثابه شهری با پیشینه مذهبی قوی، به باورهای مذهبی به‌مثابه نوعی منبع کنترل بیرونی و درونی عمل کرده و موجب تقویت قانون‌مداری آنان شده است.

نتایج معادله رگرسیونی در میان کل پاسخ‌گویان نشان داد که در مجموع، به‌ترتیب پنج متغیر دین‌داری، سرمایه اجتماعی، نظارت اجتماعی، سن و عدالت توزیعی توانسته‌اند $31/7$ درصد از پراکنش قانون‌گرایی را توضیح دهند و بقیه تغییرات متغیر وابسته به‌دلیل پیچیده و چندبُعدی بودن متغیر وابسته تحقیق، یعنی قانون‌گرایی و همچنین به حساب نیامدن برخی متغیرهایی است که بر این متغیر تأثیرگذار هستند. با توجه به ضرایب بتاهای استاندارد شده، دین‌داری با مقدار $\beta=0/287$ در میان متغیرهای مستقل که در مدل رگرسیونی باقی مانده‌اند، بیش‌ترین تأثیر را در تبیین تغییرات و پیش‌بینی قانون‌گرایی شهروندان داشته و به‌تنهایی توانسته ۱۶ درصد از پراکنش قانون‌گرایی را تبیین کند. به عبارت دیگر، هرچه میزان دین‌داری افراد بیش‌تر باشد، بر میزان قانون‌گرایی آنان افزوده خواهد شد.

پیشنادهای کاربردی

از آنجایی که در تحقیق حاضر، دین‌داری به‌مثابه عامل مهم کنترل اجتماعی، بیش‌ترین تأثیر را در تبیین قانون‌گرایی شهروندان یزدی داشته است، اهتمام جدی و بیش‌تر به حفظ و تقویت باورهای دینی و نهادینه کردن آن به‌منظور کاهش کنجروی‌ها و قانون‌گریزی و ارتقای فرهنگ قانون‌گرایی در جامعه ضروری است. به‌عبارتی، حمایت منطقی و اصولی از آموزش‌های صحیح دینی در جهت تقویت واقعی اعتقادات مذهبی افراد جامعه، عامل مهمی در افزایش قانون‌گرایی خواهد بود.

یکی دیگر از عوامل مؤثر بر قانون‌گرایی در این پژوهش، میزان برخورداری شهروندان از آگاهی قانونی و حقوقی است که این عامل خود جزئی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی

است؛ بنابراین، می‌توان با اتخاذ تدابیر کارشناسانه در خصوص اطلاع‌رسانی از طریق رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی و همچنین از طریق نصب و ایجاد پوسترها و بنرها و پلاکارها (حاوی تصاویر و مطالبی درباره رعایت قانون، قانون‌مداری و قانون‌مندی، شناخت حقوق و فرهنگ شهروندی) در مکان‌های عمومی، سر چهارراه‌ها، اتوبوس‌های حمل‌ونقل بین‌شهری و انظار عمومی، به تقویت رفتار قانونمندان و ارتقای فرهنگ شهروندی در جامعه کمک کرد.

اعتماد از اجزای مهم سرمایه اجتماعی است و نقش تعیین‌کننده‌ای در کاهش آسیب‌های اجتماعی جامعه دارد و هزینه‌های کنترل و نظارت اجتماعی را کاهش می‌دهد. چنان‌که در تحقیق حاضر مشاهده شد، اعتماد رابطه مستقیم و معنی‌داری با قانون‌گرایی افراد دارد؛ لذا ارتقای فرهنگ قانون‌گرایی در جامعه، منوط به برقراری و ایجاد اعتماد در جامعه مخصوصاً توسط مجریان قانون است و از طریق عمل به قوانین و تعهدات مدنی همراه با صدق در گفتار و عمل امکان‌پذیر است.

مشارکت اجتماعی و مدنی شهروندان موجب افزایش تعلق اجتماعی افراد با جامعه می‌شود. هرچه میزان روابط مدنی و رسمی افراد بیش‌تر باشد، پیوند آن‌ها با جامعه بیش‌تر و رفتارهای جمع‌گرایانه آن‌ها بیش‌تر خواهد شد و در مقابل، از میزان رفتارهای مبتنی بر فردگرایی و خودسرانه کاسته می‌شود؛ بنابراین لازمه این کار، فراهم کردن زمینه برای مشارکت افراد جامعه در امور مختلف است.

با توجه به وجود رابطه معنی‌دار بین هنجارپذیری اجتماعی با میزان قانون‌گرایی، به این معنا که هرچه میزان هنجارپذیری در جامعه افزایش یابد، از میزان قانون‌گریزی در جامعه کاسته خواهد شد، پیشنهاد می‌شود به هنجارهایی مثل صداقت، امانت‌داری، راست‌گویی، انجام تعهدات (مانند تعهد و پایبندی به قانون) از طریق شورای فرهنگ عمومی استان توجه شود و تلاش شود این هنجارها در جامعه نهادینه گردد. از نظر پاتنام، گروه‌ها و جوامعی که این هنجارها بر آن‌ها حاکم است و از آن پیروی می‌کنند، به‌شکل مؤثری بر

فرصت‌طلبی و مشکلات مربوط به عمل جمعی فائق می‌آیند. با توجه به نتایج پژوهش حاضر، مبنی بر رابطه معنی‌دار بین عدالت اجتماعی (توزیعی) و قانون‌گرایی، می‌توان نتیجه گرفت در دستور کار قرار گرفتن رویه‌های منصفانه و عادلانه مجریان قانون و نهادهای قانون‌گذاری اعم از قضات و پلیس و کارکنان دولت در اعمال قانون و توزیع امتیازات، موجب کاهش کجروی‌ها و قانون‌گریزی در جامعه می‌شود. با توجه به این‌که نظارت نهادی، از متغیرهای مهم و اثرگذار بر قانون‌گرایی افراد در جامعه است، ضعف کنترل‌های رسمی و غیررسمی موجب بروز قانون‌گریزی می‌شود؛ لذا تمهید سازوکارهای کنترل‌های رسمی و غیررسمی برای حفظ نظم اجتماعی ضروری به نظر می‌رسد. آموزش خانواده‌ها برای جامعه‌پذیرکردن صحیح فرزندان و توجه به تربیت آن‌ها، گنجاندن برنامه‌های آموزشی راجع به قوانین در مدارس و مراکز آموزشی و همچنین رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی و برنامه‌هایی برای آموزش عملی و مشارکت مردم مثل همیار پلیس و پلیس محله، نمونه‌هایی از سازوکارهای غیررسمی است که در کنار کنترل‌های رسمی، زمینه قانون‌گرایی و برقرارکردن نظم و امنیت در جامعه را افزایش می‌دهد.

- آلپورت، گ. و دیگران. (۱۳۷۱)، روان‌شناسی اجتماعی از آغاز تا کنون، (ترجمه نقی منشی طوسی)، چ ۱، مشهد: آستان قدس.
- چلبی، م. (۱۳۷۵)، جامعه‌شناسی نظم، چ ۱، تهران: نی.
- چلبی، م. و مظفری زوارکی، ک. (۱۳۸۴)، مقبولیت اجتماعی قانون در بین شهروندان شهر قزوین، پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهشگری اجتماعی، استاد راهنما: مسعود چلبی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده علوم اجتماعی.
- دانایی فرد، ح. و همکاران (۱۳۸۹)، قانون‌گریزی در ایران: تبیین نقش عوامل سیاسی، اقتصادی، قانونی، مدیریتی و اجتماعی فرهنگی، فصلنامه دانش انتظامی، سال ۱۱ (۳).
- دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی (۱۳۷۵)، بررسی نگرش مردم ارومیه نسبت به قانون و روحیه قانون‌پذیری، دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی استان آذربایجان غربی.
- رازقی سیدابوصالحی، ن (۱۳۷۸)، «توسعه اقتصادی، اجتماعی و قانون‌شکنی»، در: مجموعه مقالات همایش قانون و قانون‌گرایی و تأثیر آن بر فرهنگ عمومی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- رضایی، م. (۱۳۸۴)، میزان، نوع و عوامل مؤثر بر قانون‌گریزی، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم (۳): ۶۹ تا ۴۷.
- رفیع‌پور، ف. (۱۳۷۸)، آنومی یا آشفتگی اجتماعی؛ پژوهشی در زمینه آنومی در شهر تهران، تهران: سروش.
- روزبهرانی، ت. (۱۳۷۸)، نقش خانواده به‌عنوان عامل و مانع بزهکاری نوجوانان (با تکیه بر نظم در خانواده)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهش اجتماعی، استاد راهنما: مسعود چلبی، تهران: دانشگاه تهران.
- سراج‌زاده، ح. و پویافر، م. (۱۳۸۸)، دین و نظم اجتماعی: بررسی رابطه دین‌داری با احساس آنومی و کجروی در میان نمونه‌ای از دانشجویان، مسائل اجتماعی ایران، سال ۱۶ (۶۳).
- شجاعی زند، ع. ر. (۱۳۸۴)، مدلی برای سنجش دین‌داری در ایران، مجله

- جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم (۱): ۶۶ تا ۳۴.
- شریفیان ثانی، م. (۱۳۸۴)، سرمایه اجتماعی: مفاهیم اصلی و چارچوب نظری، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال اول (۲): ۵ تا ۱۸.
- صداوسیما (۱۳۷۳)، نظرسنجی از مردم تهران درباره رعایت قانون، مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌های صداوسیما جمهوری اسلامی ایران.
- صداقت، ک. و دیگران. (۱۳۸۴)، بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر قانون‌گریزی و قانون‌گرایی شهروندان تبریزی، پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه اصفهان، دانشکده علوم اجتماعی.
- صدیق سروستانی، ر.ا (۱۳۸۳)، آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات). ج ۱، تهران: سمت
- صدیقی اورعی، غ. ر. (۱۳۷۶)، تأثیر ساختاری بر پدیده امنیت یا ناامنی اجتماعی، در: مجموعه مقالات ارائه شده در همایش توسعه و امنیت عمومی (۵ تا ۷ اسفند ۱۳۷۵)، ج ۱، تهران: وزارت کشور: ۱۳۱ تا ۱۴۲.
- علیوردی نیا، ا. (۱۳۷۸)، میزان قانون‌ستیزی در استان مازندران، دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی استان مازندران.
- عمید، ح. (۱۳۷۱)، فرهنگ لغات و الفاظ و کلمات متداول زبان فارسی، ج ۱، تهران: امیرکبیر.
- فخرایی، س. (۱۳۷۸)، بررسی میزان قانون‌پذیری و عوامل مؤثر بر آن، فصلنامه فرهنگی و اجتماعی شورای فرهنگ عمومی ارشاد اسلامی: ۶۴ تا ۸۰.
- قاسمی، و. و دیگران (۱۳۸۵)، سطح‌بندی سرمایه اجتماعی در شهرستان‌های استان اصفهان، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم (۲۳): ۲۴۸ تا ۲۲۵.
- گیدنز، آ. (۱۳۸۱)، جامعه‌شناسی، (ترجمه منوچهر صبوری)، تهران: نی.
- لیتل، د. (۱۳۸۱)، تبیین در علوم اجتماعی، (ترجمه عبدالکریم سروش)، تهران: صراط.
- محسنی، ر. ع. (۱۳۸۴)، رابطه قانون‌گرایی با کاهش جرم، فصلنامه فرهنگ

- عمومی، سال نهم (۵۱).
- محسنی، ر.ع. (۱۳۸۸)، تحلیل جامعه‌شناختی امنیت اجتماعی و نقش آن در کاهش جرم و آسیب‌های اجتماعی، فصلنامه نظم و امنیت انتظامی، سال دوم (۴).
- محسنی، م. (۱۳۷۵)، بررسی آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتار اجتماعی فرهنگی در ایران، معاونت پژوهشی و آموزشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- محسنی، م. (۱۳۷۸)، بررسی گرایش به اطاعت از قانون در ایران، در قانون‌گرایی و فرهنگ عمومی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ممتاز، ف. (۱۳۸۱)، انحرافات اجتماعی (نظریه‌ها و دیدگاه‌ها)، ج ۱، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- واحدی، ش. و دیگران (۱۳۸۸)، بررسی عوامل مؤثر بر قانون‌گرایی شهروندان (مطالعه موردی: شهروندان استان آذربایجان غربی)، فصلنامه علمی پژوهشی انتظام اجتماعی، سال اول (۲): ۳۷ تا ۶۰.
- Burkett, Steven R. (2001). Religion and Crime in BRYANT, C.D. (Ed) juvenile delinquency Philadelphia: Bruner: 449-451.
- Cox. E. (1997), Building Social capital, Health promotion Matter, Vole 4, 1-4.
- Field. John, (2005). *Social Capital*. London & New York. Rutledge Pub.
- Lederman, Daniel. Louisa, Norman and Maria, Menendez Ana, (1999). "Violent Crime: Does Social Capital Matter": 1-43, <http://www.rose-net.com>.
- Lou Xin-quan, (2008). "On Law-abiding and Religion", *Journal of Guangxi Youth Leaders College*.pp:2.
- Prusack, L. (2001). " *How to Invest in Social Capital*", Harvard Business Review, 76, 6, 87-93.
- Richard, M & Wills, A. and et al. (2004). "Impacts of illegality & barriers to legality a diagnostic analysis of illegal logging in Honduras and Nicaragua ". *International Forestry Review* (IFR), PP: 282-292.
- Wang Xiao-shoo & Liu Qing-shun (2010). " An Analysis of Psychological Factors of Law-abiding Behavior", *Journal of Hubei University* (Philosophy and Social Science).p:2.